

شناخت و تحلیل شش خانه ایرانی در اقلیم‌های متفاوت^۱

گلشنی یزد، رسولیان یزد، امام‌جمعه تهران، بروجردی‌های کاشان، طباطبایی کاشان، حیدرزاده تبریز

آرزو زندی محب: آموزشکده فنی‌و حرفه‌ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران

چکیده:

خانه‌های گذشته ایران دارای مفاهیم اساسی مادی و معنوی نظیر حس تعلق، آرامش، ارتباط با معنویت و پیوند عمیق اجتماعی در جهت ارتقا فرهنگ و پاسخگو به اقلیم منطقه طراحی شده است. هدف اصلی مقاله شناخت شش خانه ایرانی در اقلیم‌های متفاوت، شناسایی مولفه‌های ساختمانی و چگونگی ظهور آن‌ها در خانه‌ها، عملکرد و ارتباطات فضایی، و ارتباط با طبیعت است. پرسش اول تحقیق "چگونه می‌توان آسایش ساکنین را با استفاده از تحلیل بناهای مسکونی ساخته‌شده، افزایش داد" و پرسش دوم، "ارتباط بین فضاها و نیاز انسان در گذشته به چه صورت است". برای یافتن نتایج مطلوب و بیان پاسخ مناسب به سوال‌های پژوهش، شناخت خانه‌ها با روش پیمایشی، مولفه‌های شهرسازی و معماری خانه‌ها با روش توصیفی، و روش تحلیلی برای شناخت و مقایسه مولفه‌ها و ارتباط‌های فضایی خانه‌های گذشته در اقلیم‌های متفاوت استفاده شده است. گردآوری اطلاعات با تکنیک کتابخانه‌ای مانند کتاب‌ها، مقاله‌ها، سایت‌های اینترنتی، نقشه‌ها، فیلم‌ها و عکس‌های بناها برای شناخت ساختمان‌های مسکونی قدیم و چگونگی کارکرد بنا ساخته شده در ارتباط با نیاز مصرف‌کننده است. فضاهای مورد مطالعه ۶ خانه‌ی گذشته، گلشنی و رسولیان یزد، امام جمعه تهران، بروجردی‌ها و طباطبایی کاشان، و حیدرزاده تبریز است. پیچیدگی سازماندهی و فرم فضاهای خانه‌های ایرانی نیازمند تحلیل چند جانبه است، اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و روش‌های ایجاد آسایش انسان در ابعاد مختلف، قلمروهای انسانی تفکیک و ارتباط فضای نیمه‌عمومی و عمومی، خصوصی و نیمه‌خصوصی بررسی شده، حیاط خانه‌ها تعریف تفکیک و وحدت فضاها، کنترل نور با توجه به زاویه و میزان تابش خورشید، باعث تنوع و ترکیبات متفاوت و حفظ حریمت نما شده است. خانه ایرانی موجود زنده که متناسب با اقلیم، فرهنگ و نیاز انسان رشد و توسعه پیدا کرده است، کدهای ارتفاعی متنوع، فرم فضا، دسترسی‌ها و ارتباطات فضایی باعث تفکیک و تنوع فضاهای زیست انسانی و در نتیجه هماهنگی با نیازهای انسانی، حفظ خلوت و قلمرو انسانی نیازهای زیبایی‌شناسی و خودشکوفایی انسانها ارتقا یافته است.

واژه‌های کلیدی: خانه‌ی ایرانی، حس تعلق، خانه گلشنی یزد، خانه رسولیان یزد، خانه امام جمعه تهران، خانه بروجردی‌های کاشان، خانه طباطبایی کاشان، خانه حیدرزاده تبریز

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "شناخت عوامل ارتقا حس تعلق به مسکن در طراحی آپارتمان‌های امروز با توجه به خانه‌های دیروز" با حمایت آموزشکده‌ی فنی و حرفه‌ای سما واحد اسلامشهر

۱- مقدمه

خانه مکان و بستر سکونت انسان، فراتر از کالبد، بر انسان تاثیر می‌گذارد و در کالبد عینیت یافته است. از نیازها، خواست‌ها و ارزش‌های انسانی شکل گرفته و بر آن تاثیر گذاشته که می‌توان گفت نقشی حیاتی در زندگی انسان دارد. در این پژوهش معماری بناهای مسکونی در زمان گذشته ایران بررسی می‌شود. جامعه سنتی ایران خانواده را واحد بنیادی جامعه، و خانه محور اصلی یکپارچگی خانواده است. به همین دلیل خانه چنان طراحی می‌شد تا از دنیای بیرون جدا باشد. در جامعه‌ای که به شدت متکی به خانواده است، مفهوم خانه بسیار گسترده‌تر از مکان خصوصی محض است. در واقع خانه حریم مقدس است و بنابراین ساکنان این حریم باید از نگاه نامحرم و هر دخالت ناخواسته‌ای در امان باشد (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۶۱). در تحقیق این نکته در نظر گرفته شده است خانه‌های که از گذشته باقی مانده‌اند، خانه‌هایی مجلل و با شکوه در زمان ساخت خود بوده‌اند، هدف کشف ارتباط و سیرکلاسیون بین فضا و الهام از عناصر و ارتباط‌های آن‌ها در گذشته و استفاده در طراحی مسکن امروز است. علت ساخت این فضاها شامل عوامل اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و... است، در بخش ادبیات تحقیق مطالعات متفاوتی از تاثیر فرهنگ و نیاز در شکل‌گیری بیان شده است و مسیر تحقیق در جهت شفاف‌سازی این موارد است.

خانه ایرانی که متناسب با نیاز و امکانات و فن زمان، وابسته اقتصاد مالک آن ساخته می‌شد عواملی چون جهت، طرز تابش خورشید، جهت باران و وزش باد تاثیر داشته است. هدف از تحقیق شناسایی خانه‌های دیروز و بیان فضاها و عملکردهای ارتباطی فضایی در آن‌ها است. خانه‌های قدیمی مولفه‌های وابسته‌ای چون اندرونی، بیرونی، هشتی، جهت‌گیری، پوشش سقف، سازه، پنج دری، سه دری، شاه‌نشین، آب در معماری، آشپزخانه، فضای سبز، و تزیینات است. چگونه می‌توان آسایش ساکنین را با استفاده از تحلیل بناهای مسکونی ساخته‌شده، افزایش داد پرسش اول و پرسش دوم تحقیق، ارتباط بین فضاها و نیاز مصرف‌کننده در گذشته به چه صورت است. فضای نیمه‌عمومی و عمومی و فضای خصوصی و نیمه‌خصوصی در آن‌ها چگونه است. برای این موضوع مطالعاتی که به مفهوم و مساله سکونت پرداخته شده پس از این معرفی می‌شوند. با درنگ در بازه گسترده‌ای از آثار معماری مسکونی شهری و روستایی ایران که طی سال‌های متمادی در کشور شکل گرفته‌اند و تامل بر الگوهای مختلف خانه‌ها، می‌توان عناصری را به عنوان اجزای اصلی و ساختاری شناخت. به نظر می‌رسد با آنکه این معماری در طی سالیان متمادی دستخوش تغییرات گردیده و تکامل یافته است، در اکثر مناطق اجزای اصلی خود را در گذر زمان حفظ نموده است، عناصر ساختاری یکسانی از قبیل حیاط، ایوان، مهتابی، هشتی، دالان و صفا، که هر یک نقش‌های متعددی بر عهده دارند.

۱-۱- پیشینه تحقیق

در مطالعات پیش از این خانه‌های ایرانی و نحوه شکل‌گیری در شهرهای تاریخی ایران، سیر تکاملی آن‌ها عناصر شکل دهنده خانه ایرانی، اهمیت و ضرورت حضور هریک از عناصر خانه، نقشه‌های برخی از خانه‌ها به همراه عکس‌ها و نقشه‌هایی از آن‌ها بیان و تحلیل شده است (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۶). معرفی خانه‌های قدیمی و معاصر ایرانی، عناصر تشکیل دهنده معماری قدیمی و معاصر، تاثیر اقلیم بر معماری، تفاوت‌های معماری معاصر و قدیمی و تاثیر آن بر زندگی انسان‌ها بررسی و راه‌کارهایی برای خانه سازی معاصر بیان شده است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸). خانه‌ها و قصرهای قاجاری با الهام از معماری اروپایی قرن ۱۸ و عناصر معماری اروپا در خانه‌های مسکونی به مرور دیده شد که شاید علت آن ارتباط زیاد ناصرالدین شاه با دولت روسیه و سفرهای اروپایی است، در این زمان تغییر بناها، تغییر در ساختار خانه‌های ایرانی دیده می‌شود (بانی مسعود، ۱۳۸۸).

گونه شناسی خانه‌های دوره قاجار اصفهان براساس ویژگی‌های فضای معماری، سازه و تزیینات، خانه‌ها درونگرا و توجه به اقلیم نیمه خشک اصفهان بصورت متراکم و فشرده است. تغییر شیوه زندگی و احتمال تخریب خانه‌های قدیمی هست، سه‌گونه فضای باز، نیمه باز و بسته با ترکیب سقف‌های تاقی و مسطح با قیودبندی و دو پوسته کردن سطح سقف است. تیغه‌های تابش‌بند، بادگیر، حوضخانه، مصالح با ظرفیت حرارتی بالا و احداث ایوان‌ها دیده می‌شود. دوره اول قاجار شبیه خانه‌های صفوی و درون‌گرا، تالار مرکزی، چلیپا و در دو طبقه است. دوره دوم قاجار، تاثیر گسترده و یک‌جانبه هنر و معماری غرب بر ایران با تلفیق با سنت کلاسیک غرب ابتدا در تزیینات، خانه‌های کردی یا کوهستانی در دوبخش زمستان نشین و تابستان نشین و ایوان سراسری و ارتفاع گرفتن بیشتر جبهه اصلی از زمین تبدیل زیرزمین به همکف و تغییر شکل پله‌ها است (قاسمی و معماریان، ۱۳۸۹).

ورود عناصر فرهنگی دیگر کشورها، بخصوص کشورهای غربی و در پی آن هویت جامعه ایرانی دستخوش تغییر شد. هویت در دو سطح فردی و جمعی تقسیم، مهم‌ترین و وحدت بخش‌ترین نوع هویت جمعی که بر تمام گونه‌های هویت تاثیرگذار است، هویت ملی است، تعریفی از هویت و هویت سازی در معماری و خانه رسولیان یزد، مورد مطالعه قرار گرفته است. در طراحی خانه‌های سنتی ایران، معمار آشنایی کامل با مولفه‌های هویت ساز یعنی ارزش‌های ملی و دینی و... دارد که همه آن شیوه‌ها را در معماری وارد نموده است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹). فراگیر شدن نقوش هندسی و اسلیمی در هنر ایرانی، رابطه پویا معماری میان جامعه و هنر، ارتباط نور با عناصر معماری ایرانی بررسی شده است (حاج علی محمدی، ۱۳۸۱).

با انگیزه توجه به طبیعت و قابلیت‌های نهفته در آن و از سوی دیگر جایگاه مهم خانه در شکل‌گیری کیفیت معنایی زندگی تلاش دارد، جایگاه طبیعت در معنادهی و ایجاد حس تعلق به مکان و عوامل و شرایط نتیجه بخشی حضور طبیعت بر تحقق تعلق مکانی در خانه‌های سنتی ایران است. ادبیات روانشناسی محیطی و ادراک مکان با بهره‌مندی از شاخص‌های مذکور که طبیعت و عناصر طبیعی با قابلیت فعال‌سازی تمامی حواس و پاسخگویی به فعالیت‌های عملی و وجود وجوه معنایی عاطفی در پیشینه ذهنی ادراکی انسان از متغیرهای مهم در ادراک و تعلق مکانی است. خانه‌های سنتی ایران به صورت حضور متنوع و مستمر مجموعه‌ای از عناصر طبیعی در تعاملات حسی، فعالیتی ساکنین وجود ویژگی‌های خاص در ساختار خانه‌های سنتی، وجود زمینه‌ها و توصیه مذهبی در نگاه به طبیعت، ادراک و تعلق ساکنین نسبت به طبیعت و مکان خانه افزایش یافته است. ساماندهی عوامل تشکیل دهنده نوع فوق از هویت معماری، منجر به یک مدل سه محوری شده است که محورهای آنرا "جسمانی" ادراک تجربه، روانی، اجتماعی و روحانی "محیط تجربه" طبیعی و مصنوعی و "زمان تجربه" آنی، طول عمر، نسل‌های متوالی و ازلی تشکیل می‌دهد (داعی پور، ۱۳۹۳).

۱-۲- روش تحقیق

برای ایجاد شالوده منسجم در این پژوهش از روش‌های مختلفی استفاده شده است. از روش پیمایشی برای شناخت خانه‌های قدیمی استفاده شده است؛ از روش توصیفی به توصیف مولفه‌های شهرسازی و معماری خانه‌های گذشته پرداخته شده است و در مرحله بعد از روش تحلیلی نیز برای شناخت و مقایسه مولفه‌ها و

ارتباط‌های فضایی در خانه‌های گذشته استفاده شده است. برای بدست آوردن نتایج مطلوب و بیان پاسخ مناسب به سوال‌های پژوهش، در این پژوهش گردآوری اطلاعات با تکنیک کتابخانه‌ای مانند کتاب، مقاله‌ها، سایت‌های اینترنتی، نقشه‌ها و عکس‌ها، فیلم‌های بناها به جمع‌آوری اطلاعات ساختمان‌های مسکونی قدیم، و چگونگی کارکرد بنای ساخته شده در ارتباط با نیاز مصرف‌کننده استفاده شده است. از بناهای شاخص ساخته شده به عنوان فضای مسکونی که در جوامع معماری مورد تایید بوده‌اند، به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. جامعه مورد مطالعه ۶ خانه‌ی قدیمی است. فضاهای مورد استفاده و طراحی شده از این فضاها، در تحلیل فضاهای مختلف معماری استفاده می‌شود. نمونه‌گیری انجام و میزان ارتباط فضاهای موجود بررسی شده است. انتخاب این نمونه‌ها با امکانپذیری دسترسی به اطلاعات مربوط به این بناها است. این نمونه خانه‌های قدیم شامل خانه گلشنی یزد، خانه رسولیان یزد، خانه امام جمعه تهران، خانه بروجردی‌های کاشان، خانه طباطبایی کاشان، خانه حیدرزاده تبریز است.

۲- خانه‌های سنتی ایران

۱-۲- تاریخچه خانه سازی در ایران

در دوره سنتی خانه محل سکونت خانواده است که همان گونه که روابط خویشاوندی استوار و اساس امور اجتماعی است، چگونگی شکل‌گیری محله‌ها نیز همین روابط است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۱۶-۱۱۷). در فرهنگ ایرانی، واژه «خانه» دارای ریشه‌ای باستانی است که در سطح زبان نیز بازتاب داشته و به خانوار و خانواده و بیشتر از آن به جای و مکان مربوط می‌شود. سکونت و خانه آرمانی در دوره باستان متن‌های اندکی باقی مانده است در بعضی از متن‌ها مانند شاهنامه فردوسی متن‌هایی درباره شهرها است که برخی اسطوره‌ای و برخی دیگر با جهان واقعی مرتبط است. محله‌ها به عنوان یک واحد اجتماعی به شهر آرمانی و جَمکرَد با می‌گردد آنچه در جَمکرَد آمده سکونتگاه را به شکل مربع و سه بخش دانسته که می‌توان بازتاب آن را در بسیاری شهرهای مرکزی شامل کهن‌دژ، شارستان و ری مشاهده کرد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۸، ۲۲).

خانه‌ها ضمن پاسخگویی به نیازهای اقلیمی، فرهنگی، مذهبی، اصول خاص زیبایی‌شناسی در آن نهفته است. تشکیل پلان خانه مسکونی، ترکیب فضاهای جز، مصالح بکار رفته رنگ‌ها و تزیینات از جز به کل در ارتباط سنجیده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، ظرافت خاص، حضور طبیعت، اعتقادات و اندیشه صریح و ابداع و خلاقیت همراه بوده است که نشان از برنامه‌ریزی، انسانی کردن فضا و طراحی بناهای مسکونی دارد (مرادی و امیرکبیریان، ۱۳۸۱، ۱۳). معماری ایران تا اوایل دوره قاجار کمابیش تحت تاثیر عوامل و پدیده‌های داخلی با تطور و تحول آرام و پیوسته بود. اما از اواسط پادشاهی فتحعلیشاه قاجار تغییرات شروع شد در وهله اول اقتباس و در مواردی تقلید از برخی عناصر آن آغاز شد، طرح برخی از خانه‌ها اروپایی روسی و گاه عثمانی شده است (قبادیان، ۱۳۸۵).

جهت خانه‌ها تابع زاویه‌ی نور خورشید و قبله است. هر وجه خانه برای فصل خاصی از سال مناسب بود و عناصری مانند تالار، بادگیر، پنج‌دری، سه‌دری و ارسی در شمار راه‌حل‌ها بودند. در بیشتر خانه‌های سنتی، محور اصلی بنا، محور شمالی جنوبی بودند و بهترین موقعیت را برای گرفتن نور خورشید داشتند تا در روزهای گرم تابستان از سایه و در زمستان از گرمای خورشید برخوردار باشد؛ فضاهای اصلی زندگی نیز در دو سمت شمالی و جنوب ساخته می‌شدند و فضاهایی که اهمیت کمتری داشتند، به خصوص فضاهای خدماتی در دو سمت شرق و غرب ساخته می‌شدند. فضاهای اقلیمی در معماری ایرانی که ابتدا در محدوده‌ی فلات ایران و سپس در حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی شکل گرفت، همچون همه‌ی معماری‌هایی که ریشه در فرهنگ بومی دارند، دید، منظر، تهویه، و دسترسی اتاق و دیگر فضاهای خانه از طریق حیاط صورت می‌گیرد. فضاهای اصلی مانند تالار ایوان پنج‌دری و... در محور تقارن قرار می‌گیرند. تقسیم‌بندی نما در بسیاری مواقع با اعداد فرد انجام می‌گیرد. فضاهای خدماتی در گوشه ساختمان و پشت فضاهای اصلی است مصالح ساختمان‌ها، علاوه بر توانایی‌های سازه‌ای و توجه به مسائل اقتصادی و تامین مصالح از نقاط نزدیک، بهترین شکل بهره‌برداری از انرژی محیط را نشان می‌دهند.

سازه‌های طاقی در این بناها نشان دهنده‌ی رابطه‌ی اقلیم و معماری هستند. حتی در نقوش تزیینی رد پای خورشید را به عنوان مهم‌ترین عامل اقلیمی در نقوشی با نام شمس و چرخ خورشید می‌توان دید. نام فضاها مانند اتاق کرسی، زمستان نشین، سردابه و... از ویژگی اقلیمی آنها گرفته شده است، خانه‌های درونگرا در اقلیم‌های گرم و خشک و سرد و خشک برای استفاده بهینه از نور و حرارت خانه را به دو بخش زمستان‌نشین و تابستان‌نشین تقسیم کردند و سازه و ساختار کالبدی خانه نیز به شکی بود که فضاهای اصلی خانه با شکل، وسعت و کالبدهای متفاوت نام‌گذاری می‌شدند. در بیشتر موارد بخش شمالی و جنوبی از اهمیت بیشتر برخوردار است، که برخی اصول معماری در همه واحدها مشترک و بعضی دیگر به ابداعات معمار بستگی داشته است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۱۸-۱۱۹).

معماری داخلی خانه‌های درونگرا را در دو سطح یا در دو نوع فضا می‌توان مورد بررسی قرار داد یکی حیاط به عنوان فضای داخلی و درونگرا که مزین به نقوش متنوع در سطوح آجری و کاشی کاری یا گچبری و حجاری است و بخش مهمی از فعالیت‌ها درون میانسرا است. میزان حضور، تعداد افراد حاضر در اتاق و جایگاه اقتصادی خانواده با سطح فضا متناسب است (همان، ۱۲۷).

۲-۲- ساخت خانه سنتی

سیمای کلی یک محله سنتی شهری مجموعه‌ای متراکم از خانه‌هایی است که کنار هم قرار دارند و هر خانه در حیاط داخلی خود واقع می‌شود. از لحاظ شکل بیرونی خانه سنتی دیوارهای بلندی که یادآور حصارهای شهر است. کسی که از بیرون به خانه وارد می‌شود باید از سه قسمت گذر کند، هشتی، دالان و محوطه داخلی که حیاط است، تا به فضای خصوصی برسد (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۶۱).

خانه یک واحد سکونت‌گاهی که فعالیت‌های متعدد دیگر در آن جریان یافت، بعضی خانه‌ها که افراد منصب اداری اجتماعی داشتند در خانه آن‌ها بطور معمول در بخشی از خانه محل کارشان بود که به آن بیرونی می‌گفتند، که بیگانه و نامحرم برای خانواده مشکلی پیش نیارد. هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده است، درونگرایی، معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند. پرهیز از بیهودگی کار بیهوده در ساختمان‌سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. مردم‌واری، به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان‌سازی است. بلندای درگاه را به اندازه مردم می‌گرفته و روزن و روشن‌دان را چنان می‌آراسته که فروغ خورشید و پرتو ماه را به اندازه دلخواه به درون‌سرا می‌آورد. خودبسندگی ساختمانی مورد نیاز خود را از نزدیک‌ترین جاها به دست می‌آوردند و ساختمانی باید "بوم آورد" یا "ایدری" (اینجایی) باشد، نیارش استواری یا زیبایی است (پیرنیا، ۱۳۹۲، ۲۷-۳۷).

روابط متقابل بین فضاهای مختلف این نوع خانه‌ها متناسب نیاز انسانی است. نظم هندسی سطوح افقی و عمودی، اتاق‌ها و نظم آن‌ها با یکدیگر بر گرد حیاط بر اساس هندسی، ترکیب یکپارچه بافت سنتی را به وجود می‌آورد. سرچشمه نظم هندسی تک تک فضاها یا اتاق‌های گرد حیاط، از مستطیل در شش ضلعی شش پهلو برابر گرفته می‌شود. نسبت اضلاع این مستطیل، عدد $1/66$ است. با دوران یک مستطیل حول محور مرکزی به اندازه ۹۰ درجه، تناسب اتاق‌های مختلف حاصل می‌شود اتاق‌ها با نمادهای متفاوت نظیر نمای آراسته به ارسی، نمای آراسته به تیغه‌های آفتابگیر یا آفتابشکن افقی و عمودی و یا بدون در پنجره و باز به حیاط، وظایف مختلفی را به عهده می‌گیرند.

فضاهای یک خانه ایرانی را با تعدد مولفه و تنوعی زیادی دیده شده است، دربند، سربند، هشتی، دالان، حیاط، تختگاه، ایوان، مهتابی، بهار خواب، صغه، دودری، سه دری، پنج‌دری، شاه نشین، حوضخانه، شکم دریده، غلام گردش و... این تعدد و تنوع فضاها در اغلب خانه‌های تاریخی ایران با اندکی تغییر دیده می‌شود. با این وصف روشن است که معماری ایرانی در طول زمان، نسبت با گذشته تاریخی خویش دچار گسست شده و نتوانسته ریشه‌های خود را حفظ کند و به زمان معاصر انتقال دهد. یکی از ویژگی‌های خانه ایرانی شیوه‌های پیشگیری از رخنه گرما و سرما و آفتاب آزار دهنده به درون فضاها و چگونگی عایق‌بندی آن‌ها است که پنام نام گرفت، پنام کاری در دو روش انجام می‌شده است.

یکی دولا به کردن و ایجاد فضای تهی و عایق هوایی استفاده می‌شده است. بیشتر در پوشش‌های سقف دیده می‌شود در پوشش‌های تخت و سغ دیده می‌شود که البته آرایه بندی در آن دیده می‌شود و دیگری پیشگیری از تابش، در خانه‌های کهن به این منظور از تابش بند یا توش بند، تیغه‌های آفتاب‌شکن کمابیش نازک به پهنای ۱۵ تا ۱۶ سانتی متر که گردگرد روزن‌ها و پنجره‌ها و درگاه‌ها کار می‌شد تا روی آن‌ها سایه اندازد. آن‌هایی را که در بالای درگاه یا پنجره کار می‌کرد. تابش بند افقی سرسایه نام داشت، تابش بند ایستاده یا عمودی تیغه‌های آجری یا گچی بود که میان هردو درگاهی به پهنای شصت تا هفتاد سانتی‌متر و ستبرای نزدیک به ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متری ساخته می‌شد، و روی درها و شیشه‌ها آفتاب نمی‌خورد. بر بالای تابش بند افقی روزن‌های گردی به نام گلجام ساخته می‌شد. بالای درگاه را با خرک پوش می‌پوشانند. خرک پوش همچون یک تاقچه کوچک با دو پوش اریب و گچ‌بری‌های زیبا آذین می‌شد. که در بالا خانه‌های یزدی بسیار است. شیشه‌های رنگی ارسی نیز از دیگر روش‌ها برای چاره‌اندیشی است (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۱۳۸-۱۴۲).

اولین گروه از سازه‌ها که بلافاصله پیرامون حیاط قرار می‌گیرند اتاق‌های مختلف‌اند. همگی در تماس مستقیم با نور، آب و سایه و هوای تهویه شده داخل حیاط قرار دارند شامل فضاهای سه دری، پنج دری، و... است، گروه دوم اتاق‌هایی‌اند که در پشت اتاق‌های بالا قرار می‌گیرند و از نور طبیعی سقف استفاده می‌کنند. آشپزخانه، محوطه‌ی ورودی اصطبل و حمام از این گروه‌اند (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۸۳).

۲-۳- معرفی مولفه‌ها خانه‌های قدیمی ایرانی

برای پاسخ به پرسش اول "چگونه می‌توان آسایش ساکنین را با استفاده از تحلیل بناهای مسکونی ساخته‌شده، افزایش داد"، در این قسمت به تحلیل بناهای مسکونی تاریخی پرداخته شده است. در قسمت نمونه‌ها تلاش شده است از اقلیم‌های متفاوت انتخاب شود، برای نتیجه‌گیری بهتر اصول ساخت خانه‌های سنتی، عناصر این خانه‌ها و در نهایت نمونه موردی ها مطرح و تحلیل می‌شوند. در این مسیر به پرسش دوم "ارتباط بین فضاها و نیاز مصرف کننده در گذشته به چه صورت است و فضای نیمه‌عمومی و عمومی و فضای خصوصی و نیمه‌خصوصی در ساختمان‌های مسکونی گذشته چگونه است" پاسخ داده می‌شود. نکته جالب فضای کوچک بین سکوی بیرونی خانه و قسمت عمومی عقب پیاده‌رو، در سلسله مراتب ورود به خانه جایگاه مهمی دارد. حالت نیمه خصوصی آن به گونه ای بود که می‌توان ست مورد استفاده ساکنان خانه باشد و در عین حال در دسترس عابر پیاده برای یک استراحت کوتاه و بدخوردار از سایه آن قرار گیرد (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۶۵). خانه‌ها جذب و دعوت صاحب خانه از افراد بیرونی را نشان می‌دهد که در خانه‌های ایرانی بسیار به این موارد پرداخته شده‌است. در ورودی دولته و سکوه‌های کنار آن همیشه دیده شده است، که بعضی خانه‌ها با کاربردی و تزئینات بر آن می‌افزاید. خانه‌های قدیمی ایرانی از فضاها باز، نیمه باز و بسته تشکیل شده‌اند؛ که در معماری ایرانی به صورت حیاط یا میانسرا و ایوان و... جز فضاها نیمه باز و باز است.

۲-۳-۱- فضای سرپوشیده

معماری داخلی اتاق‌ها و دیگر فضاهای سرپوشیده تابع از عوامل مختلف مانند مصالح و سازه بنا، اقلیم و ... است. در شهرها و نواحی کویری و مرکزی بیشتر از خشت و آجر برای ساختن دیوارهای باربر و جدا کننده استفاده می‌شود. با توجه به ضخامت دیوارها در بعضی نقاط که بار به آنها وارد نمی‌شود طاقچه می‌سازند. همه اتاق‌های خانه ارزش و جایگاه یکسان نداشتند. پنجره‌های ارسی بالا رو، کفپوش اتاق‌ها فرش، سقف هم طبق سطح خانه تزئین می‌شد، گچ‌بری طرح‌های متنوع و لچکی و گاهی خانه‌هایی از نقاشی استفاده می‌شد. گچ‌بری یکی از شیوه‌های معمول و رایج برای دیوارها بود و در خانه‌های قاجاری آیین‌کاری نیز اضافه شد، از اواسط دوره صفویه رفت آمده‌ها به فرنگ صورت‌های انسانی بروی دیوار کاخ و خانه‌ها دیده شد و استفاده از میل و صندلی و تخت برای نشستن در اتاق کمی معمول شد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۳۲-۱۳۳).

سر در و فضای ورودی در معماری سنتی ایران از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان بخش مهمی از سیر تحول و تکامل معماری سنتی کشور را در آن مشاهده کرد، یک فضای اتصالی-انتقالی هستند که معبر را به درون خانه متصل می‌کنند. دیوار خانه به نحوی، دو طرف در ورودی را در بر می‌گیرد که فرد در حال انتظار، می‌تواند از جریان تردد اصلی درون کوچه کناره گیرد. سایه مختصری ایجاد شود؛ الگوی "درگاه" این چنین شکل می‌گیرد. فضای ورودی تنها به عنوان یک فضای ارتباطی بکار نمی‌رود. بلکه دارای کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نیز است. برای ایجاد پیوند و ارتباط بین یک بنای بزرگ با معبر یا میدان مجاور آن و همچنین برای اهمیت بخشیدن به فضای ورودی می‌ساختند؛ به نحوی که دارای یک فضای مشترک با معبر یا میدان می‌شد. یا به صورتی در کنار آنها قرار می‌گرفت که برای ورود به بنا جاذبه و کشش کافی ایجاد کند. عناصر ورودی شامل سکود (دوسوی ورودی برای استراحت)، سردر (هلال تزئینی روی در و اغلب کاشی کاری)، کوبه و حلقه (اطلاع‌رسانی حضور به ساکنین)، هشتی (پس از ورودی گاهی به شکل هشت ضلعی یا نیمه آن و...)، دالان (مسیر غیر مستقیم هشتی به حیاط) است (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۷۰).

سر در ورودی، هلال تزئینی روی در و تنها قسمت خارج از خانه که اغلب کاشی کاری دارد و معمولاً طوری ساخته می‌شد که در زمستان‌ها مانع از ریزش برف و باران بود و در تابستان‌ها نیز مانعی برای تابش مستقیم آفتاب به شمار می‌رفت. در بالای سردر آیاتی از قرآن کریم یا عبارات مذهبی نوشته می‌شد تا هنگام ورود و

خروج از زیر آیات قرآنی یا روایات و عبارات دینی عبور کنند. معمولا دیوارهای بیرونی کاه گلی بوده و فقط سر در به صورت مجلل ساخته شده است. و این تدبیر در راستای تحقق خصوصیت دعوت‌کنندگی و جذب فضای ورودی اندیشیده می‌شده است. به علاوه در قسمت فرورفتگی، دو سکو قرار دارد که در اکثر نقاط ایران، بدان‌ها "پیرنشین" می‌گویند. این عنصر معماری نقش‌های متنوعی در زمینه‌های رفتاری، روابط اجتماعی، تبیین حریم، تعریف ارتباط بین درون و برون و همچنین احترام به نقش و جایگاه مخاطب بر عهده دارد. متأسفانه امروزه در خانه‌ها و دیگر بناهای جدید حضور این عنصر تأثیرگذار معماری بومی، حذف و یا کم‌رنگ گردیده است و یا در برخی مکان‌ها که به گونه‌ای ساخته می‌شود به علت اشکال در شکل و یا محتوا نتوانسته است نقشی درخور ایفا نماید. با معرفی و شناسایی این عنصر در معماری مسکن بومی ایران، جایگاه آن در بافت کالبدی و نقش آن در رفتار و روابط اجتماعی را مورد بررسی قرار گیرد.

هشتی یا کریاس فضایی است که در بسیاری از انواع فضاهای ورودی طراحی و ساخته می‌شده است. این فضا بیشتر بلافاصله پس از فضای ورودی قرار می‌گرفته است و یکی از کارکردهای آن تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت بوده است. در برخی از بناهای عمومی با خانه‌ها دو یا چند راه از داخل هشتی منشعب می‌شده است که هر یک از آن‌ها به فضایی خاص و از جمله به فضای داخلی بنا یعنی حیاط منتهی می‌شده است (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۶، ۱۷). و به فضا برای انتظار و با شکوه نمودن مسیر ورودی و برای تغییر جهت مسیر حرکت نیز استفاده می‌کردند. هشتی‌ها دارای اشکال منظم هندسی و بیشتر دارای ارتفاع کم و مناسب با فضای ورودی است. اما در بناهای بزرگ و عظیم، مرتفع و مزین به کاشی، کاربندی، سکو و چراغدان و... است، در خانه‌های بزرگ، اندرونی و اقامتگاه‌های خدمتکاران نیز به هشتی راه داشتند و اغلب برای جدا سازی آقایان و خانم‌ها دو قسمتی ساخته می‌شد (پیرنیا، ۱۳۹۲، ۱۴۳-۱۴۴).

اتاق‌ها از لحاظ ارتفاع چند گروه، اتاق‌های بلند در دوطبقه با سقف بلند، اغلب در مرکز (پستو، سه دری، پنج دری، و...) و بر محور تقارن خانه و اتاق‌ها با سقف کوتاه در کنار آن اتاق‌ها با سقف کوتاه (تخت‌گاه ایوان، ورودی سر پوشیده، گوشوار، اتاق خصوصی و...) در کنار آن‌ها قرار دارند (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۸۳). بر مبنای سازماندهی کل فضاها و تقسیم آن به فضاهای تابستان و زمستان‌نشین، اتاق‌های مختلفی شکل گرفته است، ارتباط دادن به خانه، جهت رسیدن به مسیر حرکت بادهای مطلوب سبب شده است که اغلب اتاق‌های تابستان‌نشین در طبقات بالا و اتاق‌های زمستان‌نشین در طبقه همکف یا کمی پایین‌تر از سطح حیاط قرار گیرد. اتاق زمستانی، اتاق کوچک با تعداد کمی باز شو است و گودی آن در سطح زمین و بسته بودن آن از چند جهت باعث گرم شدن سریع آن می‌شود. برعکس اتاق‌های تابستانی فضاهایی هستند که در جبهه‌های مختلف آن باز شوهای کامل یا نیم‌دری‌ها قرار گرفته‌اند. در بسیاری از خانه‌ها این اتاقک مانند یک بادگیر عمل می‌کنند و در بعضی نیز تعداد باز شوهای آن در چهار جبهه به ۱۶ عدد می‌رسد. ویژگی مهم درها در برخی مناطق دو جداره بودن است. معمولا جداره بیرونی از نوع کرکره‌ای است و با باز کردن در داخلی می‌توان بدون تابش شدید و دید مستقیم از بیرون، جریان باد مطبوع دید و منظر را به داخل اتاق هدایت کرد.

دالان ساده‌ترین جز فضای ورودی است که تأمین ارتباط و دسترسی بین دو مکان، مهمترین کارکرد اصلی آن به شمار می‌آید. دالان راهروی باریکی بود که با پیچ و خم وارد شونده را از هشتی به حیاط خانه هدایت می‌کرد. پیچ و خم دالان برای رعایت حریم خصوصی خانه بود تا عابر نتواند سریع فعالیت‌های جاری در حیاط را متوجه شود. در برخی از انواع بناها مانند خانه‌ها، حمام‌ها و در مواردی مسجدها، مدرسه‌ها، تغییر امتداد و جهت مسیر عبوری در دالان صورت می‌گرفته است. به این ترتیب مساله محرمیت توسط دالانی که در امتدادی غیر مستقیم به حیاط منتهی می‌شد حل می‌گردد. دالان از لحاظ کالبدی فضای، باریک و کم عرض است. البته عرض دالان‌ها متناسب با کارکرد بنا و تعداد استفاده‌کنندگان از آن‌ها تعیین می‌شده است. عرض دالان‌های مساجد و مدارس بزرگ به طور متوسط بین ۲ و ۳/۵ متر و عرض دالان خانه‌های کوچک به طور متوسط حدود یک متر است. دالان به عنوان یک فضای معماری به گونه‌ای که از لحاظ فضایی و ادراکی آن را می‌توان فضایی عبوری و حرکتی دانست. راهرو همراه با حیاط شریان‌های ارتباطی خانه را شکل داده است.

با در نظر گرفتن طرح کلی با عرض باریک، متوسط و پهن هستند. راهروها با عرض کم معمولا هشتی را به حیاط متصل می‌ساخته، راهروهای با عرض متوسط بین اتاق کوچک سه‌دری و پنج‌دری است و با عرض زیاد در کنار شاه‌نشین‌ها جای داشته است. معمولا در بالای این راهروها اتاق گوشوار ساخته می‌شد. دیگر فضاها مانند مطبخ، دستشویی و حمام در مکان‌های شخصی استقرار یافته است. برای فهم بهتر و بیشتر خانه‌های قدیمی و حس تعلق افراد به این بناها از نمونه موردی در اقلیم‌های مختلف انتخاب شده است، البته همانطور که پیش از این نیز بیان شد این بناها مهم‌ترین و مجلل‌ترین بناهای زمان خود بوده‌اند.

راه‌کارهای اقلیمی پیشنهادی برای فصل زمستان، کاستن حجم فضای مورد استفاده به علت ارتفاع زیاد سقف تا کف در اتاق کلاه فرنگی، امکان حفظ انرژی گرمایی در فضا کاهش می‌یابد. برپای یک سازه‌ی سبک موقت به عنوان سقف کاذب با استفاده از پوشش پارچه از جنس کرباس است. اگرچه زمستان‌نشین پیش از آنکه نام فضای معینی باشد، به همه‌ی فضاهایی که در وجه شمالی حیاط ساخته می‌شوند تا از آفتاب زمستان که با زاویه‌ای مایل به درون اتاق‌ها می‌تابد استفاده کنند، اما مجموعه‌ی معینی از فضاها با رابطه‌ای خاص، مجموعه‌ی فضاهای زمستان‌نشین را تشکیل می‌دهند که عبارتند از سه‌دری، پنج‌دری و شکم دریده، که روی محور اصلی قرار می‌گرفته‌اند و دو فضای ارتباطی که می‌توانند راهرو یا تخت‌گاه باشند و گوشه‌های این بخش را تشکیل می‌دهند. فضای اصلی روی محور اصلی، برای ورود بیشتر نور خورشید اغلب پنجره‌های آنرا از ارسی‌های بزرگ می‌ساخته‌اند. داخل فضاهای مرکزی با توجه به بسته بودن فضا، تزئینات پیچیده‌ای چون قطارهای مقرنس و آئینه‌کاری‌های بسیار پیچیده دیده می‌شود.

تابستان‌نشین نیز موقعیتی مانند زمستان‌نشین دارد با این تفاوت که در وجه جنوبی حیاط قرار گرفته است تا در تابستان از تابش مستقیم آفتاب در امان بماند و روی محور اصلی آن فضای نیمه‌باز با تالار قرار می‌گیرد. این تالارها و ایوان‌ها جز در مواقع بسیار سرد سال مهم‌ترین فضایی زندگی در خانه بوده‌اند، و اگرچه همیشه تزئینات داشته‌اند، اما با توجه به باز بودن و نفوذ گرد و خاک، از تزئینات بسیار پیچیده در آن‌ها پرهیز و به نقوش ساده‌ی گچی در ترکیب با آجر یا سیم گل قناعت می‌شده است. این تالارها و ایوان‌ها جز در مواقع بسیار سرد سال مهم‌ترین فضایی زندگی در خانه بوده‌اند، و اگرچه همیشه تزئینات داشته‌اند، اما با توجه به باز بودن و نفوذ گرد و خاک، از تزئینات بسیار پیچیده در آن‌ها پرهیز و به نقوش ساده‌ی گچی در ترکیب با آجر یا سیم گل قناعت می‌شده است. حسینی‌خانه‌ی بروجردی‌ها که فضای بسیار پیچیده با تزئینات ترکیبی کم‌نظیری در تابستان‌نشین آن دیده می‌شود، از نمونه‌های استثنایی این مجموعه فضا است. در شهرهای سرد سیری چون تبریز، زنجان، اردبیل، بیشتر وجه تابستان‌نشین از بنا حذف شده و فضای نیمه باز ایوان را هم ندارند.

در خانه‌های ایرانی به صورت‌های گوناگون ساخته شده و هر یک ویژگی خاص خود را داشته است. یکی از علایق ایرانیان در ساخت خانه‌ها ایجاد ارتباط بصری بین اتاق و فضای بیرون آن است. گشادگی، فراخی، و دید آزاد داشتن جز طبیعت ایرانی است. این اتاق‌ها براساس تناسب تلاقی ایرانی طراحی می‌شده‌اند. اتاق‌های

که از عرض نور می‌گرفتند نصف تناسب طلائی داشته و در نهایت شکلی متناسب و زیبا بدست می‌آمده است (پیرنیا، ۱۳۹۲، ۱۴۹). بام در معماری ایران به جرات بخشی از فضای زندگی است و علاوه بر وجود حجم‌های پیچیده و زیبا، به عنوان حیاط هم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در شهرهایی چون نایین در برخی از بناها با دیوارهای صندوقه چینی شده، اطراف بام را تا حدود یک متر و نیم بالا آورده و نوعی حیاط در بام بوجود می‌آوردند که در شب‌های تابستان برای خواب استفاده می‌شده است. همچنین این دیوارها با سایه‌اندازی بر بخشی از بام در ساعات مختلف روز نقش اقلیمی ثانویه‌ای نیز داشته‌اند. خانه‌ی عباسیان کاشان با چنین حیاطی در بام است که در آن معماران با قاب‌بندی‌های ظریف از مشبک آجری، امکان تهویه را نیز فراهم آورده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۳۰-۱۳۶). بام خانه بروجردی‌ها با تنوعی که در خود دارد این زیبایی را دوجندان می‌کند، نورگیری بادگیری و زیبایی خاصی است که در بام خانه‌های سنتی ایرانی دیده می‌شود که در ادامه مقاله بصورت کامل‌تر بررسی می‌شود. صفا یا بهار خواب، فضای باز محصور از سه طرف است که در میان چند اتاق و راهروهای سرپوشیده قرار گرفته است. امکان اتصال این فضا با فضاهای داخلی و بسط فضای درون به بیرون وجود دارد.

۲-۳-۲- فضای باز حیاط

حیاط مرکزی قلب و کانون خانه است و برای اتاق‌ها و فضاهای داخلی خانه نور و هوا را فراهم می‌کند. حیاط اصلی‌ترین فضای باز خانه به حساب می‌آید. به غیر از حیاط، طیف متنوعی از فضاهای باز در ارتفاع‌های متفاوت وجود دارد و به کمک فضاهای واسطی همچون صفا، شامی و طارمی فضای درون و بیرون با یکدیگر تلفیق شده و گسترش می‌یابد (حائری‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۲۰). در خانه‌های ایرانی به مفاهیم مختلف استفاده شده است، وحدت دهنده چند عنصر خانه، ارتباط دهنده چند فضا برای ایجاد محیطی سرسبز و با نشاط به عنوان هواکش مصنوعی، گذر جریان بادهای مناسب عنصری مهم در جهت سازماندهی فضاهای مختلف، به عنوان حریمی امن و آرام برای آسایش این خانواده است، براساس نیازهای مادی و معنوی و رعایت سلسله مراتب عرصه‌های خصوصی، عمومی درون و بیرون خانه انواع حیاط سنتی شکل گرفته است.

حیاط مرکزی همراه با ایوان در هر سمت، از گذشته‌های دور در معماری ایرانی حضور داشت؛ البته این امکان وجود داشت که حیاط از نظر هندسی مرکز خانه نباشد اما انجام فعالیت‌ها و ارتباط بین قسمت‌های مختلف خانه، تعبیه دید و سایر مسائل مرکز خانه محسوب می‌شد. محلی برای برگزاری مراسم مختلف نظیر مراسم مذهبی، عروسی و تجمع اقوام بود. بیشتر چهار گوش بود. ابعاد حیاط را تعداد و عملکرد فضاهای اطراف آن تعیین می‌کنند. یک حوض و چند باغچه دارد که بسته به شرایط مختلف محلی نظیر آب و هوا و عوامل فرهنگی اشکال متفاوتی می‌یابد.

سازمان‌دهی فضاهای محصور حیاط به گونه‌ای بود که با تغییرات فصلی و کارکردهای مختلف اتاق‌های مجاور متناسب باشد. در حیاط سازی خانه‌های قدیمی حوض و باغچه معتبرترین عناصر حیاط سازی به شمار می‌رفت. حیاط بیرونی (حیاط مردانه)، حیاطی کوچک به شکل‌های مربع یا مستطیل در مرکز آن حوض دایره، هشت ضلعی یا ستاره‌ای است. خاص میهمانان و افراد غیر فامیل است. اندرونی، حیاط بزرگی و وسیع که تناسب آن تابع آهنگ قرار گرفتن اتاق‌های اطراف حیاط و است. خاص افراد خانواده و خصوصی‌ترین حیاط است (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۷۰).

در خانه حیدرزاده تبریز این حیاط‌ها به خوبی دیده می‌شود. تفکیک دو حیاط و ارتفاع پایین‌تر از معبر باعث شده است که حریمیت و صمیمیت به خوبی حفظ شود، البته در ادامه مطالب توضیحات کاملتر این بنا موجود است. حیاط نارنجستان میان‌سرای که می‌توان آن را سرپوشیده کرد و در باغچه‌ی آن در ختان نارنج و غیره پرورش داد. حیاط نارنجستان حیاطی کوچک در مجموعه‌ی اندرونی بوده که تامین نور فضاهای اطراف، امکان نگهداری گیاهانی را که نسبت به یخبندان شب‌های زمستان مناطق کویری حساس هستند فراهم می‌کرده است. ابعاد کوچک آن و مجاورت با طاق‌ها و توده‌های ساختمانی که در طول روز با انرژی خورشید گرم موجب می‌شود با تخلیه‌ی این انرژی در طول شب، دمای فضای محدود حیاط بالای صفر حفظ شود، و حتی در برخی موارد این حیاط‌ها سقفی با یک سوراخ بزرگ در مرکز دارند که در زمستان‌های خیلی سرد امکان پوشاندن آن با پارچه وجود داشته است. این حیاط‌ها به ندرت در محوره‌های اصلی بنا و بیشتر در گوشه‌ها و فضاهایی که مشکل نورگیری داشتند ساخته می‌شدند. الگوی معمول آنها مربع ۹ قسمتی است که در هر وجه آن یک فضای سه‌دوری قرار می‌گرفته یا هشت‌ضلعی بوده‌اند. در برخی موارد با گوشه‌سازی، نوعی گنبد ناقص روی آن‌ها ساخته می‌شده، تزیینات این فضا که تحت تاثیر تزیینات اتاق‌ها و فضاهای جانبی هم بوده، به شکل گلوبی آجری یا آجر لعاب‌دار بوده است. حیاطی کوچک، وسعتی قابل سرپوشیدن، برای جلوگیری از سرمازدگی مرکبات است (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۷۰).

گودال باغچه یا باغچال در وسط حیاط مرکزی ساخته می‌شده و یک طبقه در داخل زمین فرو می‌رفته است. نمونه‌های این فضا در اقلیم‌های بسیار خشک کویری از جمله در کاشان، نایین و یزد دیده می‌شود، علاوه بر تامین خاک مورد نیاز خشت‌های استفاده شده در بنا، امکان دسترسی به آب قنات را فراهم کرد. در شهرهایی مثل نایین که یک شبکه‌ی پیچیده‌ی قنات داخل شهر داشته‌اند بسیار مهم بوده است. بنابراین در گودال باغچه آب روانی که حوض میانی را پر می‌کرده و با توجه به کوچک‌تر و پایین‌تر بودن این حیاط‌ها و استفاده از رطوبت و خنکی زمین، علاوه بر رطوبت گیاهان و خنکی آب، در واقع فضایی به مراتب اقلیمی‌تر از حیاط شکل می‌گرفته است. گودال باغچه‌ی خانه‌ی پیرنیا در نایین و مسجد مدرسه‌ی آق‌بزرگ در کاشان نمونه‌های خوبی از این فضاها هستند. معماری خانه طباطبایی‌ها که پس از این توضیحات بیان می‌شود. به شیوه گودال باغچه متقارن و درون‌گرا است، در کویر خانه‌ها را گود می‌ساختند تا بنا عایق حرارت و صدا بوده و دسترسی به آب قنات هم راحت‌تر و در مقابل زلزله مقاومت‌تر باشد.

۲-۳-۳- فضای نیمه باز

ایوان معروف‌ترین فضای سرپوشیده، فضایی که با ایجاد سایه و امکان ارتباط مستقیم چشم‌انداز با درخت و سبزی، امکان تجربه‌های متنوع‌تری را در مقایسه با فضاهای بسته و باز برای زندگی فراهم می‌کند. قدیمی‌ترین الگوی فضایی باقیمانده از نوع سرپوشیده در خانه‌های ایرانی که تا اوایل قرن بیستم، احداث آن از ملزومات خانه به حساب می‌آمد. فضای مستقل با طاقی رفیع برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های زندگی، یک طرف ایوان، باز و مشرف به حیاط و دو طرف دیگر، نیمه بسته و ضلع چهارم بسته است. ضلع بسته، معمولاً به اتاق‌های شاه‌نشین (متعلق به قلمرو عمومی) راه دارد که با باز شدن در پنجره‌های این اتاق، فضای شاه‌نشین با ایوان ترکیب می‌شود و امکان تحقق فعالیت‌های گسترده را فراهم می‌کند. دو ضلع دیگر توسط حریم‌های عبوری و طاق‌نماها به فضاهای دیگر مربوط می‌شود. در برخی از نمونه‌ها ایوان، در بالاخانه مستقر شده و سازمان فضایی مستقلی را به خود اختصاص داده است (حائری‌زاده، ۱۳۸۸).

در نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق این ایوان‌ها به زیبایی دیده می‌شود، با ایجاد فضاهای پیدا و پنهان رمزآلودگی را تا حدودی در درک فضاها منتقل می‌کند. فضاهای نیمه باز با ایجاد تداوم بصری، ارتباط بصری بین سرپناه (فضای پوشیده) را با فضای باز محوطه میسر می‌سازد که این روش علاوه بر ایجاد حس تعلق، تهویه و مسایل اقلیمی را نیز تامین می‌کند.

۲-۴- نمونه خانه‌های ایرانی مورد مطالعه

با توجه به اینکه خانه‌های سنتی در دسترس در حال حاضر با تغییر کاربری برای حضور تعداد بیشتر از مردم قابل مشاهده است، این بناها شامل موزه، دانشگاه و دیگر کاربری‌ها به عنوان نمونه انتخاب شده، دارای مشخصات پس از این است. خانه‌ها را طبق همان بافت محله‌ای و در تبعیت از ضوابط الگوی متداول خانه ایرانی ساخته می‌شد و دارای حیاط مرکزی، اتاق‌های سه‌دری و پنج‌دری با ارسی و فضاهای ورودی نیز شامل هشتی و دالان دهلیز است. برای پاسخ به پرسش اول و دوم در این قسمت شش خانه ایرانی در اقلیم‌های مختلف انتخاب شده که با بیان شیوه و چگونگی ساخت بررسی شده است.

۲-۴-۱- خانه امام جمعه (خانه قجری‌ها) تهران

خانه آقائوری حدود ۱۲۶۶ ه.ق و یا ۱۸۵۰ م اواسط سلطنت ناصرالدین شاه ساخته شده، ساختار آن گچ خشتی، تیرچوبی و ستون‌های سنگی است، از ورودی خانه تنها هشتی و دالان هنوز سالم است که امروزه از طریق دو در کوچک در گوشه شرقی و غربی به بلندی حیاط به طبقه پایین راه دارد، ورودی اصلی در گوشه غربی که از راه اتاق کوچک و پلکانی بسوی طبقه اصلی در بالا و اتاق تابستانی بزرگ منتهی می‌شود، ستون‌های ردیفی ویژگی اساسی این خانه و البته دهانه غیر عادی این سقف که بصورت محوری بر روی تالار ارسی قرار گرفته است، تاثیر این ویژگی را دو چندان می‌کند (کاتب، ۱۳۸۴، ۲۳۲).

باقی مانده در دو طبقه، گچبری و تزیینات زیبای داخلی دیده می‌شود، ۷۸۹ مترمربع زیربنا دارد، طبقه اول تالار تابستانی حوضخانه، سرویس بهداشتی، ایوان شمالی و جنوبی و پله‌های دسترسی به طبقه دوم، سقف این طبقه مسطح با اندود گچ بدون تزیینات، دو گوشواره در دوطرف حوضخانه آجر فرش است. طبقه دوم دارای ایوان مشرف به حیاط با سرستون‌ها گچبری و مقرنس کاری شده و کف آجری، تالار تابستانی دارای دو گوشواره با تزیینات مقرنس کاری و پوشش آینه‌کاری، زمستانی دو بخاری به سبک اروپایی تزیینات فراوان در بدنه سقف و دارای شاه‌نشین و پنجره‌های بزرگ و از پشت بنا نیز نور این تالار تامین می‌شود؛ اتاق‌های خصوصی در طبقه دوم تزیینات محدود گچ‌بری و آینه‌کاری، تلفیق عناصر فرنگی و معماری سنتی ایرانی، ستون‌های رفیع و رخام مثلثی از عناصر فرنگی، سنگ‌های تراشیده و حجاری تزیینی، گچ‌بری، نقاشی آینه‌کاری، آجرکاری، آلت چینی‌های چوبی و مقوایی، اوروسی‌سازی (اوروسی ۹ لنگه)، حال و هوایی همچون دوره روکوکو، نمای مشرف به حیاط ساده است (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۶).

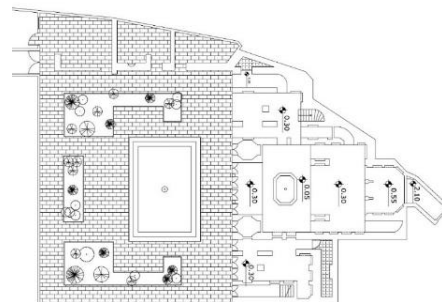
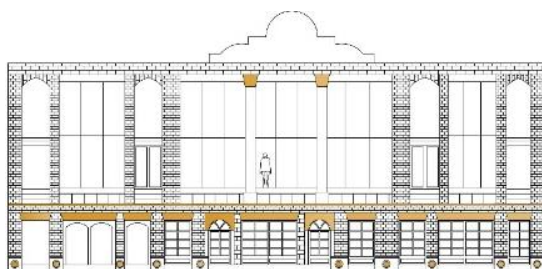
پرتله‌های نقاشی دیواری، ارتفاع زیاد ستون‌ها با نمای سردر پالادین نمایش تاثیرات غربی است، البته کپی محض نبوده و اجرای آن ایرانی است بیشتر تزیینات در اساس ایرانی بود چوب‌های کنده‌کاری شده ارسی استفاده وسیع از آینه‌کاری، مقرنس کاری با شکوه در ورودی اتاق راه پله همه ایرانی‌اند. اهمیت این خانه در این است که تزیینات ایرانی و غربی همه در یک بنا با حفظ روح ایرانی است (کاتب، ۱۳۸۴، ۲۳۳). اتاق‌های پذیرایی با بیشترین تزیینات دو دستگاه ارسی با شکوه به اندازه کف زمین تا سقف کنده‌کاری‌های ظریف و قاب‌های کوچک شیشه‌ای رنگی دارند. هر کدام از اتاق‌ها دارای ازاره‌های سنگی بر روی دیوارها به ارتفاع تقریباً یک متر هستند. بقیه دیوارها کامل با نقاشی پوشیده شده است. پرتله‌هایی به سبک غربی نیز دیده می‌شود که احتمالاً از روی کارت پستال‌ها کپی شده است. تالار پشتی آینه‌کاری تا سقف و سقف گچ‌بری دارد. پیش از ورود به تالار راهرو ورودی دارای مقرنس حاشیه‌های گچ‌بری و تزیینات که تمام سقف راهرو، راه‌پله و ورودی تالار را شامل می‌شود (کاتب، ۱۳۸۴، ۲۳۳).



تصویر شماره ۲- نمای روبرو و تزیینات غربی روز از خانه قجری‌ها

تصویر شماره ۱- خانه قجری‌ها و تزیینات داخلی (کاتب، ۱۳۸۴)

(<http://www.adibarchitects.com>)



تصویر شماره ۳- این بنا دارای بخش اندرونی و بیرونی، شاه نشین و تالار زمستانی منبع سازمان میراث فرهنگی

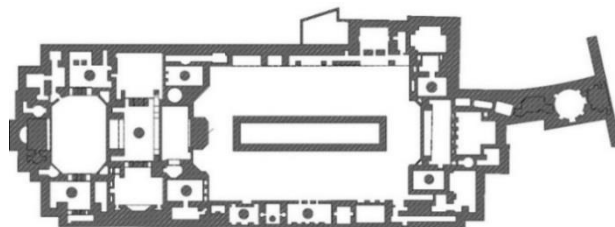
۲-۴-۲ - خانه بروجردی‌ها کاشان

شهر کاشان استان اصفهان، در محله سلطان میراحمد واقع است و نمونه خانه مسکونی اعیان نشین دوره قاجار توسط یکی از بازرگانان کاشان، حاج سید حسن نطنزی (بروجردی) ساخته شده است. با شماره ثبت ۱۰۸۳ در آثار ملی کشور، طی ۱۸ سال ساخته، و ۱۷۰۰ مترمربع است (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۶، ۶۴). در کتیبه چهار طرف تالار آمده به سال ۱۲۹۲ ه.ق^۱ باز می‌گردد. بیش از ۱۵۰ بنا، گچ‌کار و آئینه‌کار و دیگر هنرمندان مشغول کار بودند. دو بخش اندرونی و بیرونی که بخش بیرونی از سال ۱۳۵۳ در تملک سازمان میراث فرهنگی در آمده است، بخش اندرونی در مالکیت بخش خصوصی است (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷، ۳۴). معمار استاد علی مریم کاشی، مصالحی مانند خشت و گل و پایه، سنگ لاشه محلی و ساروج ساخته شده است.

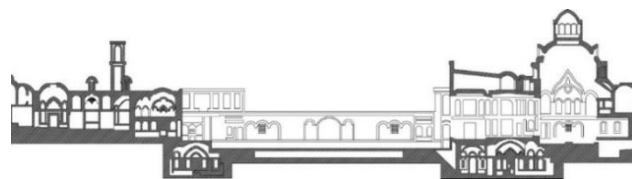
سه در ورودی در شمال، غرب و جنوب دارد البته در شمالی ورودی اصلی خانه است، ورودی شامل یکسردر و جلوخان با تزیینات گچبری که پس از ورود از طریق در چوبی بزرگی با کنده‌کاری‌ها و گل‌میخ‌های متعدد و دو کوبه، که بر پاشنه سنگی می‌چرخد، هشتی پس از ورودی اصلی و گنبدی آراسته که در مرکز آن نورگیری تعبیه شده از طریق دری مشابه در اصلی و دالانی با تزییناتی چندضلعی و هلالی، و پیچ‌دار با سقفی که در آن نورگیرهایی تعبیه شده است به حیاط و بخش بیرونی خانه راه دارد و حیاط بنا کشیده که دو سر آن دو مجموعه فضایی مهم قرار گرفته‌اند و نمای این دو بخش نسبت به دو جبهه‌ی دیگر ارتفاع بیشتری دارد. در انتهای حیاط، تالار اصلی تابستان نشین قرار دارد، وارد شونده طی سلسله مراتبی به درون هدایت می‌شود. بیش از نیم مساحت زمین حیاط و در وسط محور طولی حوض بزرگی با سنگ سیاه تراش خورده و پاشوهای که آب آن از قنات نصرآباد تامین و چپ و راست حوض نیز چهار باغچه که نمادی از چهار باغ ایرانی است.



تصویر شماره ۴- تھویه و نورپردازی بصورت همزمان از پنجره‌های سقفی و هوای گرم بالای سقف راحت‌تر خارج و تنوع مصالح زیبایی همخوان (<http://archline.ir>)



تصویر شماره ۵- فرم زمین تعیین کننده فرم بنا نیست، بلکه فضای قابل زیست و آسایش افراد تعریف کننده طراحی است. منبع: سازمان میراث فرهنگی



تصویر شماره ۶- ریتم و نظم در برش‌ها و نماها مشهود و زیرزمین خانه بروجردی‌ها مناسب روزهای گرم تابستان منبع: سازمان میراث فرهنگی

تابستان نشین جبهه جنوبی مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش خانه دیوارهای ورودی سکه‌هایی تعبیه شده با مقرنس‌کاری گچی به طاق نمای اصلی سقف متصل می‌شود. قوس بزرگ نما شاید تقلیدی از طرح مثلث در نمای معماری اروپایی که تحت تاثیر معماری ایرانی به صورت منحنی در آمد و داخل محدوده قوس، گچبری‌های برجسته، متأثر از تزیینات روسی مانند سماور و قوری، به چشم می‌خورد. تالار اصلی پر عظمت و مرتفع به شکل هشت و نیم هشت با اتاق‌ها و فضاهایی که در دو طبقه و دورتادور تالار قرار گرفته‌اند، ایوان اصلی در محور تقارن تابستان نشین، پس از حیاط عامل دوم تقسیم فضا برای استفاده ساکنان در فصل گرما است (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷، ۳۴). در دو جانب ایوان و تالار طنبی راهروهای ورودی و اتاق‌های نشیمن قرار گرفته‌اند که چشمگیرترین آثار تزیینی در همین قسمت به کار رفته است. این بخش با زیرزمین شمال سه طبقه است. تالار مرکزی در طبقه دوم و سقف بلندی و نورگیری بسیار زیاد دارد (صباغپورآرانی، ۱۳۹۳، ۱۱۸-)

^۱ هر چند برخی منابع تاریخ ساخت بنا را ۱۲۵۳ و اتمام آن را هجده سال بعد یعنی ۱۲۷۱ نوشته‌اند.

۱۱۹). دیوارها با ارتفاع معینی تنها با گچ ساده پوشیده شده، اما سقف آن تزئیناتی برجسته دارد. در گرمای شدید تابستان هوای خنک و بسیار مطبوعی از طریق بادگیرهای واقع در بالای پشت بام به صورت طبیعی و دائمی به زیرزمین‌ها سرازیر و جریان می‌یابد. در بام تالار نیز نورگیرها و بادگیرهای بسیار جالب و بدیع در معماری سنتی ایران است (همان، ۱۲۵-۱۲۸). زمستان‌نشین، شمال و مجاور راهرو ورودی شامل شاه‌نشین پنج‌دری با گچبری‌های زیبا و ایوانی وسیع آفتابگیر که محل پذیرایی مهمانان و مهتابی در جلو و بادگیری پشت آن است، فضای داخلی تالار تزئینات گچ‌بری و دو اتاق سه‌دری کوچک در دو سوی مهتابی و در مقایسه با تالار و فضای طرفین آن ارتفاع کمتر و ترکیب حجمی خاصی دارد. دو طرف دو اتاق بهار خواب که به علت نور مناسب و گرمای زیاد، بیشتر در زمستان‌ها استفاده می‌شود.



تصویر شماره ۷- ترکیب رنگ، نور و سایه در نمای ساختمان، حضور ابتدایی عناصر غربی، کاملاً ایرانی شده، براساس اصول زیبایی‌شناسی و نیاز ساکنین (<http://archline.ir>)



تصویر شماره ۸- نمایش جزئیات سقفی و نورگیری‌های سقفی کنترل نور روز و شدت تابش روشنایی درون را نیز تامین کند (<http://architector.parsiblog.com>)



تصویر شماره ۹): هماهنگی جز و کل با یکدیگر و خود نمایی عناصر معماری بصورت عناصر اقلیمی و زیبایی شناسی (<http://architector.parsiblog.com>)

ضلع غربی زمستان‌نشین نیز با دو اتاق کوچک به همراه فضایی سرپوشیده، قسمت شمالی و جنوبی بنا را به هم می‌پیوندد. قسمت شمال شرقی مطبخ یا آشپزخانه وسیع با طاقچه‌ها و صندوقخانه و انباری مجموعه واقع است و از راهروی باریک بدان راه می‌یابند. تنها تاق نماهایی قرینه با نمای روبرو دیده می‌شود که یک ایوان ستوندار کم عمق در میانه آن قرار گرفته است. در ضلع شرقی سه اتاق و فضاهای خدماتی قرار دارند. جلوی تالار فضایی وجود دارد که رابطه بین تالار و ایوان بزرگ مشرف به حیاط و یا حد فاصل زمستان‌نشین و تابستان‌نشین است (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷، ۳۴). سه اتاق سه‌دری از راهروهایی مشترک به یکدیگر راه می‌یابند. سقف اتاق‌ها مسطح و فاقد تزئینات است. سرداب‌ها در جبهه‌های مختلف بنا واقع شده‌اند که بوسیله بادگیرهایی هوای آنها خنک و تهویه می‌شوند. زیرزمین در زیر سه بخش شمالی و جنوبی و غربی قرار دارد، بیشتر به عنوان سرداب و انبار و فضای خدماتی استفاده می‌شده است. بازشوهای ساختمان چوبی و اندود داخلی بنا به جز یک اتاق، بقیه از جنس گچ است. سقف‌های عمارت دارای سیستم تاق-تویزه و تاق چشمه گنبدی بوده نمای عمارت ترکیبی از آجر، گچ و شمشه‌های گچی است که در قسمت فوقانی نما به شکل زیبایی خودنمایی می‌کند (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷، ۳۴).

اغلب فضاهای اصلی دارای تزیینات مفصلی هستند. بخصوص تالار اصلی که سقف گنبدی و یزدی‌بندی شده و نورگیری‌هایی در آن تعبیه شده است. حجم بیرونی این نورگیرها به همراه نورگیر اصلی وسط شکل ویژه‌ای به گنبد بخشیده‌اند. دیوارهای شاه‌نشین تالار نقاشی‌هایی از پادشاهان قاجار که تاثیر اروپایی در آنها کاملا مشهود است. کلیه‌ی جداره‌های تالار دارای تزیینات گچبری رنگی و ایوان جلوی این بخش با نمایی شاخص و بلند در جلوی حجم پر هیبت واقع در دوسوی این جبهه اهمیت این بخش خانه را بیان می‌کند. از جمله تزیینات اصلی خانه گچ‌بری که بصورت پرکار و فراوان در نمای ورودی و نمای خارجی و داخل خانه بویژه در بخش تالار شاه‌نشین و نماهای سردر بیرونی شامل گچبری نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی است. بیشترین ساقه‌های پیچان تاک و شکل دیگر عقاب، در مقام مرغ آفتاب و مظهر خورشید است (صباغپورآرانی، ۱۳۹۳، ۱۲۵-۱۲۸).



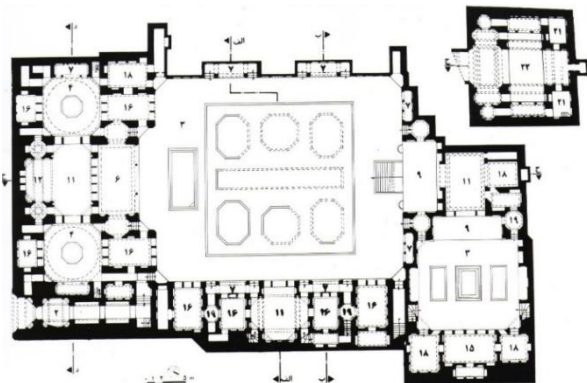
تصویر شماره ۱۱- تزیینات داخلی خانه بروجردی‌ها
(<http://archline.ir>)



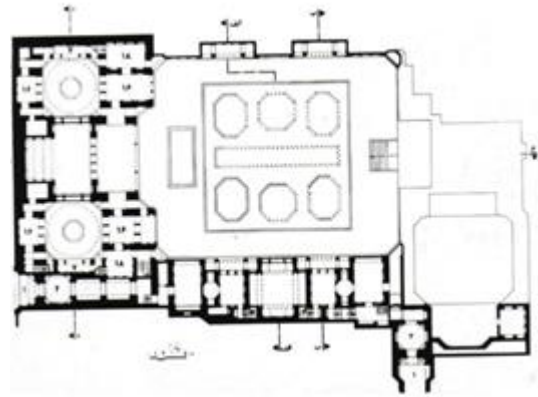
تصویر شماره ۱۰- بادگیرها و نورگیرهای سقفی و انعکاس در آب
(<http://archline.ir>)

۲-۴-۳- خانه طباطبایی‌ها کاشان

این بنا در محله سلطان میر احمد واقع شده و آثار دوره قاجار بشمار می‌آید. سنگ بنا را شخصی به نام حاج سید جعفر طباطبایی نطنزی نهاده و به خانه طباطبایی موسوم و مشهور گردیده است. براساس کتیبه‌های موجود در شاه‌نشین خانه، تاریخ ساخت سال ۱۲۸۹ ه.ق و به شماره ثبت ۱۵۰۴ در فهرست آثار ملی است. زمینی به مساحت ۴۷۳۰ مترمربع، با مهارت و هنرمندی معمار معروف کاشانی استاد علی مریم احداث گردیده است. دارای ۵ درب که ورودی اصلی به دو بخش اندرونی و بیرونی در قسمت هشتی تقسیم می‌گردد در جبهه جنوب شرقی و تاق سردر با تزیینات یزدی‌بندی مزین شده است (ملازاده‌ومحمدی، ۱۳۸۶، ۹۴).



تصویر شماره ۱۳- از هشتی‌های مختلف در تقسیم فضاها استفاده و تفکیک فضاهای خصوصی و نیمه عمومی (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷)



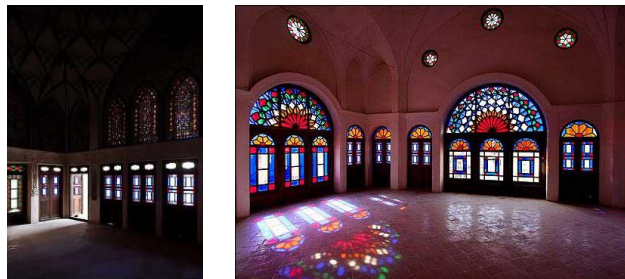
تصویر شماره ۱۲- جبهه جنوبی مهم‌ترین مجموعه، ارتفاع بیشتر، قوسی نیم‌دایره ایوان میانی، بلندترین نقطه در خط آسمان کلی بنا (حاجی‌قاسمی ۱۳۸۷)

علت پیچ و خم‌های راهروهای ورودی جهت شکستن اختلاف ارتفاع و نداشتن دید مستقیم است. دارای دو بخش مجزا که به طرز ظریفی به هم مرتبط شده‌اند. بخش بزرگ‌تر دارای حیاط مربع مستطیل که در چهار گوشه خود پخی‌هایی کوچک دارد، جبهه جنوبی حیاط در میانه ایوان ستون داری است که از لبه حیاط اندکی عقب‌تر نشسته و حوض مستطیل شکل در مقابل آن قرار دارد (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷، ۱۱۳). که محور اصلی با آن تعریف شده و حیاط را به دو نیم تقسیم کرده و علاوه بر مسایل اقلیمی نمادپردازی نیز در این بنا انجام می‌دهد. قسمت اندرونی، شامل اتاق پنج دری ساده در مرکز و دارای سرداب‌هایی که بادگیرهایی که هوا را در آن جریان می‌دهند، این قسمت محل سکونت خانواده بوده است. ستون‌های پرتزیین و جزئیات زیبای گچ‌بری در دیوارها و سقف بر اهمیت آن می‌افزاید. در پشت ایوان در بخش جنوبی تالاری با شاه‌نشین قرار گرفته که از دو سو با حیاط‌های کوچک و از یکسو با ایوان ارتباط دارد. بدین ترتیب پنجره‌های تالار از سه جانب به سوی فضاهای باز گشوده می‌شوند. سقف تالارها و شاه‌نشین دارای یزدی‌بندی‌های زیبا و در مرکز سقف، ترنجی زیبا با نقوش اسلیمی و گل‌های ختایی بصورت تکرنگ طلایی، تالار ارسی با نقاشی‌های تکرنگ تزیین شده است، دیگر تزیینات، گچبری درختچه‌های میوه و گل در ایوانچه‌های ستون‌دار و دیگر فضاها، نمایش دو پرند و درخت زندگی، خورشید و شمس از اسطوره‌ها و آرکی‌تایی‌های معماری که برای نمایش ریتم تقارن و هارمونی بنا بکار رفته است (صباغپورآرانی، ۱۳۹۳، ۱۳۶-۱۴۴). حیاط‌های کوچک دوسوی تالار به‌شکل هشت و نیم‌هشت با بناهای دو طبقه‌ای محصور شده است و حوضی به‌شکل هشت ضلعی در میان خود دارد. جبهه مقابل به تالار هریک از حیاط‌ها ایوانچه‌ای پرتزیینات ساخته شده، در جبهه‌های شمالی و جنوبی اتاق‌های سه‌دری در دو طبقه قرار دارد (حاجی‌قاسمی،

۱۳۸۷، ۱۱۲). حیاط ضلع شمال غربی بزرگتر، تعداد اتاق‌های آن بیشتر، دارای سرسرای پذیرایی مجزا، در زیر قسمت اندرونی مخصوص اتاق مرکزی، سرداب بزرگی قرار دارد. وجود بادگیر، سقف ضربی، نوع مصالح به کار رفته در بدنه، دو جداره بودن بدنه، حوضی که قبل در مرکز سرداب بوده، نسیم خنکی از سطح حوض حیاط مرکزی وارد زیرزمین می‌شود. قسمت بیرونی، شامل تالار بزرگ (اتاق شاه‌نشین) در مرکز با نورگیرها و پنجره‌های مشبک رنگی و پنجره‌های کناری دو جداره که عمودی باز و بسته می‌شود. این اتاق دارای تزیینات نقاشی و آینه‌کاری و گچ‌بری‌ها و پنجره‌های مشبک گچی که همچون پارچه توری ظریفی به نظر می‌رسد. در دو طرف اتاق شاه‌نشین اتاق‌های گوشوار و در جلوی اتاق شاه‌نشین، ایوانی با آینه‌کاری و گچ‌بری‌های جالب دیده می‌شود.



تصویر شماره ۱۴- فرم بنا از فرم زمین تبعیت نمی‌کند بلکه از فضاهای مورد نیاز و مطلوب تبعیت می‌کند و خلوت تنوع فضایی، هماهنگی و ریتم قابل مشاهده است (<http://archline.ir>).



تصویر شماره ۱۵- با نگاه به خلق فضا در فضاهای داخلی و یا فضاهای حیاط میتوان بخوبی ریتم، تکرار تنوع، نور، رنگ، سایه و ... که در کنار هم به زیبایی نشان داده شده است. ریتم حرکت نظم و زیبایی در برش و نما (<http://archline.ir>)



تصویر شماره ۱۷- تزیینات و کنترل نور فضاها و شکل‌گیری فضاها در اطراف حیاط انعطاف‌پذیری و قابلیت استفاده فضا در چندقرن (mehrnnews.com)



تصویر شماره ۱۶- تزیینات پرکار در سقف و دیوارها (mehrnnews.com)

بدین ترتیب سه‌دری‌های واقع در دو سوی ایوان بزرگ جبهه جنوبی بنا از دوسو به فضای باز پنجره دارند. در جبهه شمالی حیاط مهتابی نسبتاً وسیعی در میانه نما واقع شده که فضای باز اتاق را گسترده‌تر کرده است. در دوسوی نمای این جبهه نیز دو ایوانچه ستون‌دار قرار می‌گیرد. مهتابی از پشت به تالار خانه دیگری مربوط است و در طرفین خود دو هشتی ورودی دارد که یکی از آن‌ها می‌تواند به حیاط خانه دیگر وارد شود، بدین ترتیب می‌توان مهتابی را مفصل ارتباطی دو خانه بشمار آورد (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷، ۱۱۲).

در جبهه شرقی مجموعه‌ی تالار و چهار اتاق سه‌دری وجود دارد که در امتداد یکدیگر و بهم مربوط هستند. تالار میانی این جبهه صلیبی شکل و دو ایوانچه ستون‌دار در میانه دیوار است. بطور کلی اصل تقارن در نماهای این بنا دیده می‌شود. سطح نماهای حیاط اصلی خانه را با گچ‌بری‌های بسیار ظریف آراسته‌اند. سرداب بزرگ و در خور توجه خانه دارای یک قسمت مرکزی که فضاهای مختلفی در چهار طرف آن قرار دارد، بطور کلی زیر زمین با سقف یزدی‌بندی پرکار و ستون‌پرتزبین از فضاهای پر اهمیت خانه بشمار می‌آید. بخش دوم خانه کوچکتر که خصوصی‌تر به نظر می‌آید شامل حیاط کوچکی که در شمال و جنوب تنها تاق نماها یا ایوانچه‌ها ساخته شده است، در جبهه شرقی آن یک پنج دری با دو اتاق در طرفین واقع است. در پشت بام این پنج دری یک مهتابی با دیواره‌های ناماسازی شده قرار دارد. در میانه جبهه غربی حیاط یک مهتابی کشیده، بخش اعظم نمای این جبهه را در بر دارد (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷، ۱۱۳). در طرفین تالار بزرگ دو حیاط خلوت و نورگیر به صورت قرینه یکدیگر احداث شده و دارای تابلوهای بدیع نقاشی می‌باشند و از نقایس آثار هنری این دیار است. حیاط خدمه، شامل اتاق‌های خدمه، زیرزمین خدمه، آشپزخانه و اصطبل زمستانی و تابستانی که تعدادی از اتاق‌های خدمه از بین رفته است.

۲-۴-۴- خانه رسولیان یزد

بنای "رسولیان" در سال ۱۲۸۳ ه.ش توسط مرحوم استاد محمد حسن محمد رحیم احداث شده است. این بنا پس از فوت بانی به تملک فرزند وی (رسولیان) درآمد. فرزندان وی نیز در سال ۱۳۶۹ ه.ش خانه را وقف کارهای فرهنگی - آموزشی کردند تاکنون دانشکده معماری یزد در آن فعالیت دارد (حاجی قاسمی، ۱۳۷۸، ۴۰). آرامگاه مرحوم پیرنیا، در خانه حاج کاظم رسولیان قرار دارد. با شماره ثبت ۱۸۳۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این خانه از دو بخش متمایز به صورت بیرونی و اندرونی تشکیل شده است. عناصر ساختاری بنای مذکور که شامل نمای بیرونی، ورودی خانه، هشتی، دالان ورودی، حیاط و بررسی نماها می باشد متاثر از اقلیم گرم و خشک شهر یزد بوده که در اینجا نموده‌های هویت‌سازی با توجه به عناصر مادی و معنوی است. اتاق بزرگ ارسی با شیشه‌های رنگین، حوضخانه، تالار، زیرزمین و بادگیر، فضاهای اصلی قسمت بیرونی را تشکیل می‌دهند. حیاط اندرونی که بخش خصوصی خانه است شامل اتاق‌های سه دری، پنج دری، ارسی، تالار، کلاه‌فرنگی و بادگیر است که پیرامون حیاطی بزرگ و مشجر با حوضی وسیع در میان آن قرار گرفته‌اند. در قسمت تحتانی اتاق‌ها، تالار، کلاه‌فرنگی، زیرزمین‌ها و جوی آب قرار دارند که هر کدام، برای نگهداری لوازم زندگی، مواد غذایی و استراحت در فصل تابستان مورد استفاده بوده است. خانه رسولیان دارای حمام سنتی است، حدفاصل حیاط بیرونی و اندرونی قرار دارد.



تصویر شماره ۱۹- انعطاف پذیری این بنا در حدی که امروزه به عنوان دانشکده معماری استفاده شده (حاجی قاسمی ۱۳۸۷)



تصویر شماره ۱۸- اهمیت محوطه سازی
(<http://online-architect.ir>)



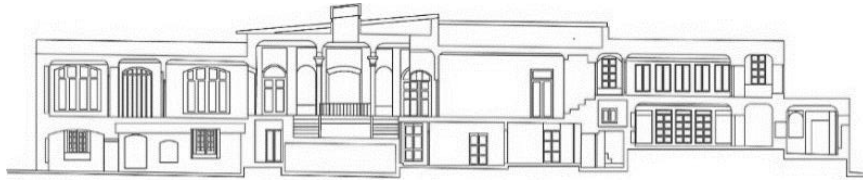
تصویر شماره ۲۱-
بادگیرها و سایه‌ها در کنترل عوامل اقلیمی نقش دارند.



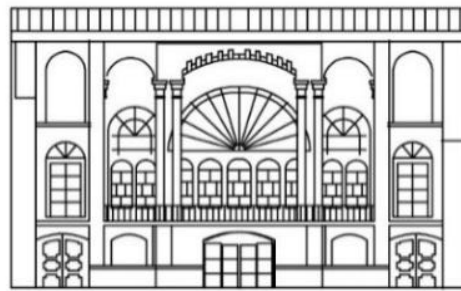
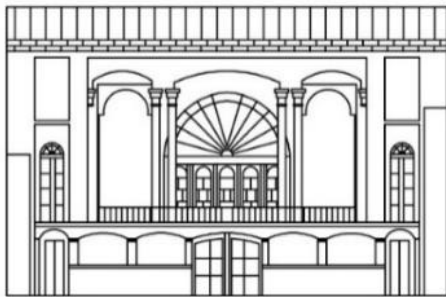
تصویر شماره ۲۰-
خطوط تشکیل بنا، خطوط مورب، عمودی، افقی و منحنی و ارتباط درون و برون با استفاده از رنگ و نور (<http://online-architect.ir>)

۲-۴-۵- خانه حیدرزاده تبریز

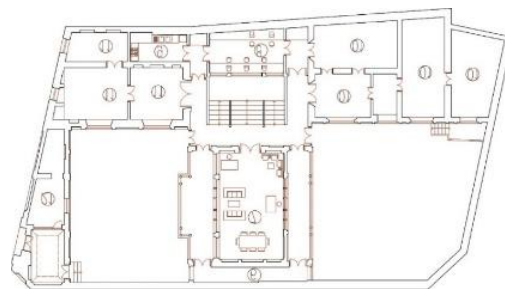
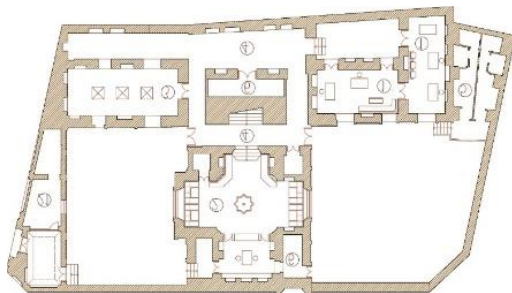
این بنا در تبریز پشت ساختمان ساعت و خانه در محله مقصودیه، کوچه مقصودیه واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید. تاریخ دقیق ساخت خانه سند و زمان مشخصی وجود ندارد اما بر اساس مطالعات میدانی، قدمت بنا در حدود ۱۳۰ سال تخمین زده شده است، براساس اطلاعات به دست آمده، معمار بنا "حاج حبیب لک" است، البته در نقشه دارالسلطنه تبریز در سال ۱۲۹۷ ه. ق تنظیم شده، به نام "خانه حاج قلی خان سرتیپ" آورده شده و در دوره‌های بعد به تملک خانواده حیدرزاده درآمده و به این نام شهرت یافته است. این بنای مسکونی بعد از یک دوره متروکه در سال ۱۳۸۰ و از سوی طرح پردیسان میراث فرهنگی کشور تملک شد و مورد مرمت و احیا قرار گرفت به فضای فرهنگی-هنری (مرکز اطلاع رسانی گردشگری) تغییر کاربری یافته و با توجه به اینکه طیف وسیعی از فعالیت‌های اطلاع‌رسانی می‌تواند از طریق نمایش نمونه‌های عینی آن‌ها صورت پذیرد، بخش‌هایی از بنا به فضاهای نمایشگاهی اختصاص یافته است. این بنا در اقلیم سرد و کوهستانی احداث شده است که همانطور که در خط سقف و آسمان این بنا دیده می‌شود برای استفاده از شرایط اقلیمی سقفهای تخت احداث شده است. در زمینی به مساحت ۳۰۰۰ متر، در دو طبقه و دو بخش بیرونی و اندرونی دارای دو حیاط بیرونی و اندرونی، توسط یک تالار با شکوه با ارسی‌های چوبی پرکار از هم جدا گردیده‌اند، در دو مرحله ساخته شده است. حیاط بیرونی که در هنگام ورود با عبور از چند پله پایین‌تر از سطح خیابان به آن می‌رسیم. زیرزمین اتصال بین اندرونی و بیرونی است. طنبی و اتاق‌های جانبی بخش شرقی مربوط به اوایل قاجار و بخش اصلی باقیمانده مربوط به اواخر این دوره است. در بخش زیرین حوضخانه بزرگ که با طاق‌های چهار بخشی بسیار زیبا، بندکشی برجسته و آجرهای رنگی تالو خاصی به محیط داده است در تصویر ۲۶ این موضوع دیده می‌شود. بنا دارای راه‌پله مرکزی (سرسرا) که دسترسی به حوضخانه، طنبی و اتاق‌های جانبی و نشیمن را میسر می‌سازد. فضاهای زیرزمینی با پوشش‌های طاقی و فضاهای طبقه بالا به صورت مسطح و با تیر و تخته مسقف شده‌اند. حضور ستون‌ها و تاق‌های کم خیز در نمای اصلی بنا خودنمایی می‌کند که علاوه بر دارد. در داخل پلان پله‌ها به سبک مدرن است. تزیینات بنا شامل کاربندی و آجر کاری زیبایی حوضخانه، قاب‌بندی سقف و اتاق‌ها و ارسی‌های طنبی است. تزیینات متنوعی درب و پنجره‌های پرکار چوبی، نرده‌های فلزی، گچ‌بری، نقاشی، شیشه‌های رنگی، آجر کاری و بندکشی برجسته دیده می‌شود.



تصویر شماره ۲۲- نما مقطع از خانه حیدرزاده تبریز منبع میراث فرهنگی تبریز ظهور قوس‌های رمی منبع میراث فرهنگی تبریز



تصویر شماره ۲۳- جفت ستونها و نیم‌دایره در نماها منبع میراث فرهنگی تبریز



تصویر شماره ۲۴- حضور پله‌ها در مرکز پلان خانه حیدرزاده تبریز (میراث فرهنگی تبریز)



تصویر شماره ۲۵- نماسازی فضای انعطاف پذیر داخلی و حوضخانه زیبا زیرزمین محل گردآمدن افراد مختلف خانه است منبع (mehrnews.com) و نگارنده



تصویر شماره ۲۶- ورودی این خانه با چند پله و کد ارتفاعی پایین تر از خیابانه است، ارتباط زیرزمین بین دو بخش بیرونی و اندرونی است (منبع نگارنده).

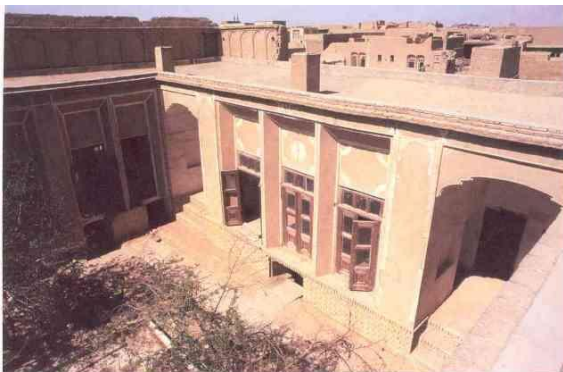


تصویر شماره ۲۷- خلق فضاهای پیدا و پنهان با استفاده از ایوان‌ها و شیشه‌های رنگی عنصر اصلی آب و طبیعت خودنمایی در حیاط می‌کند (mehrnews.com)

اطلاق شاه‌نشین زیباترین فضای خانه حیدرزاده که از آینه‌کاری، ارسی و گچ‌بری‌های زیبایی بهره می‌برد و امروزه به عنوان مجموعه کاملی از معماری سنتی آذربایجان میزبان مسافران و میهمانان تبریز است. جفت ستون‌ها و تاق کم خیز در نمای اصلی بنا، علاوه بر حفظ تداوم بصری ایوان‌ها را نیز تعریف می‌کند. در داخل پلان پله‌ها که به سمت مدرن شدن می‌روند خود نمایی می‌کند.

۲-۴-۶- خانه گلشن یزد

این بنا در خیابان دهم فروردین دوازده قصاب‌ها و جنب آب انبار گلشن واقع است، در اواخر قاجار توسط حاج‌علی‌اکبر محله تلی (ملقب به مروج) ساخته شده است، بعدها در اختیار دختر بانی و همسر وی حاج حسین گلشن قرار گرفته است و وجه تسمیه امروزی بنا از همین رو است. خانه گلشن امروز در اختیار شهرداری یزد است. خانه مفصل و مجموعه متشکل از سه حیاط دو ورودی چندین فضای باز خدماتی و فضاهای معماری مختلف که در پیرامون حیاط گرد هم آمده‌اند. دو حیاط بزرگ شرقی و غربی بنا با طرح مستطیل شکل بخش‌های اصلی بنا را شکل می‌دهند، حیاط غربی بزرگتر از حیاط شرقی است و ورودی مفصل‌تر خانه به آن راه می‌یابد، حیاط سوم یعنی بخش زیباتر خانه کوچکتر است، این حیاط در گوشه شمال شرقی حیاط بزرگتر واقع است و با مدخلی کوچک به آن باز می‌شود (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۶، ۲۳۸). در سه ضلع حیاط غربی ایوانی تعبیه شده است در حالی که حیاط شرقی تنها دو ایوان در میانه دو ضلع دارد. در حیاط سوم نیز سراسرای جبهه شمال شرقی به ایوان‌ها اختصاص دارد بدون احتساب زیرزمین اغلب فضاهای خانه یک طبقه است، فضاهای زیرزمین به ابعاد و اشکال متنوع ساخته شده و در مواردی از محدوده ملک خانه نیز فراتر رفته است (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷، ۶۷).



تصویر شماره ۲۹-

پنجره حیاط غربی، فضاهای پیدا و پنهان اتاق سه دری، و نورهای رنگی به جذابیت فضا کمک می‌کند (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷)



تصویر شماره ۲۸-

جبهه شمال غربی، حیاط شرقی، تکرار و ریتم در قاب بندی دور پنجره‌ها دیده می‌شود (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۷)

فضای نیمه‌باز به شکلی منظم و با همان قاعده خانه سنتی بر گرداگرد حیاط نشسته‌اند، در حیاط بزرگتر در میانه هریک از جبهه‌های شمال غربی و جنوب غربی و جنوب شرقی یک فضای نیمه‌باز واقع است. جز در جبهه‌های جنوب غربی دو حیاط بزرگتر که در طرفین آن‌ها ایوان بلندتر قرار دارد و در مرکز آن‌ها دو گوشواره

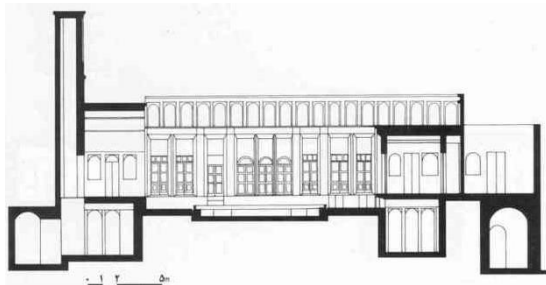
در طبقه دوم، به همین ترتیب این جبهه رفیع تر از دیگر جبهه‌ها است و همین مایه تمایز جبهه‌ی پر سایه دو حیاط از دیگر جبهه‌ها شده است. دو جبهه شمال شرقی و جنوب غربی آن یک عنصر در مرکز یک ایوان و دیگری اتاقی بزرگ و دو راهرو در طرفین دارند. یک فضای مرکزی و دو راهرو و دو اتاق در دو سوی آن مشاهده می‌شود، البته در یکسوی ایوان جنوب شرقی و به جای راهرو اتاقی قرار گرفته است که پنجره‌های ندارد و بنظر می‌رسد فضای مجاورش مطبخ خانه بوده است (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷، ۱۶۰).



تصویر شماره ۳۱- حیاط کوچک شمالی و ریتم در نما (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷)



تصویر شماره ۳۰- شکستگی‌های زمین تاثیر بر معماری سنتی ایرانی نداشته (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷)



شماره ۳۲- زیرزمین فضای خنک ستونهای ایوانها محورها را تعریف می‌کنند. تهویه، سایه اندازی، زیبا سازی فضا با حیاطها تامین شده، شاید برای حفظ آسایش افراد چند حیاط شکل گرفته است (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷)



تصویر شماره ۳۳- فضای نیمه خصوصی بین دو فضای خصوصی (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷)

این خانه زیبا متناسب با اقلیم منطقه احداث شده است که سقف و آسمانه بنا برای استفاده از خنکی هوا و تهویه مناسب و پنجره‌ها امکان نورگیری خوب در زمان‌های مختلف را ممکن می‌ساخت و ارسی‌ها نیز نور را کنترل می‌کند. حیاط‌های متنوع نشان از ایجاد خلوت و تعریف مشخص از قلمرو انسانی در این خانه است که ضمن محرمیت فضاهایی برای تجمع و استفاده از طبیعت را نیز ایجاد کرده است.

در حیاط های بزرگ فضاهای اندرونی و بیرونی شکل گرفته است. فضای اتاق سه دری دورتادور بنا خود نمایی می کند. ضلع شمال و جنوب تعریف کننده نورگیری است. بادگیرهای محلات بر آسایش اقلیمی تبدیل به آثار هویتی در شهر شده اند. اختلاف در کدهای ارتفاعی تنوع فضایی را زیاد می کند.

۳- بحث و تحلیل

معماری ایران خود در درون جامعه بازیافته و در هر فرآیند تغییر و تحول خود را از نو تعریف کرده و از نو سازمان داده و همانند جامعه‌ای که می‌بایست راه حل‌های همه جانبه برای حفظ تعادل با محیط و منابع خلق کند این چنین راه خود را در میان جامعه و محیط نهادینه کرده است. شکل‌گیری فضا چه بصورت تجمع همزمان و هم مکان براساس ترکیب سه الگوی فضاهای باز، پوشیده و نیمه باز شکل گرفته است. معماری ایرانی در قالب این سه گونه فضاهایی که خود الگوهایی دیرپا در تاریخ و فرهنگ این سرزمین است. انواع گوناگونی از الگوهای فضایی را خلق کرده است و با گذشت زمان بر غنای گنجینه مجموعه پاسخ‌های فانی به فرهنگ و شیوه زندگی مردم و طبیعت ایران افزوده است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸، ۱۱۷).

فضای فیلتر و مفصل که در این فضاها معمولاً اتفاقاتی چون مکث و تغییر کاربری است که می‌توان هشتی و ایوان‌ها را مثال زد، هشتی به عنوان فضای تقسیم حرکت انسان و شکست زاویه عمل می‌کند و تنوع بصری بوسیله پیچ و خم‌ها و اختلاف سطح، تزیینات و پوشش ایجاد می‌کند، ایوان فضای نیمه باز و حد واسط فضای باز و بسته و به عبارتی فضای پر و خالی و به لحاظ دما و نور فضای فیلتر است (مرادی و امیرکبیریان، ۱۳۸۱، ۱۱۶). خانه برای انسان به نوعی وحدت بخش، آرامش بخش و محلی برای زندگی که خانه ایرانی مظهر چنین آرامش و سکونی و معرف محور اصلی خانواده است (صباغیورآرانی، ۱۳۹۳، ۳۱-۳۲)؛ بررسی رابطه انسان و محیط، شناخت عناصر کالبدی، ویژگی‌های محسوس محیط و معانی و پیام‌های برخاسته از آن حایز اهمیت است. شناخت بهتر محیط زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی‌های کالبدی محیط، معانی و مفاهیم برخاسته از آن و ادراکات کنشگران نیز مورد واکاوی قرار گیرد (فلاح‌نوحی، ۱۳۹۱، ۲۲).

عوامل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی که تاثیر مستقیم در تعریف عرصه‌های داخلی خصوصی و عرصه‌های خارجی عمومی، توسط عناصر تعریف شده‌ای متصل شده‌اند. که تقسیم‌بندی فضاهای اندرونی و بیرونی در داخل خانه را می‌توان از این دسته دانست، تزیینات خانه‌ها نیز که با توجه به تغییر فرهنگ به طور مثال نقاشی‌های خانه‌های قاجاری و صفویه که در دوره پهلوی به طور کامل حذف شدند. عوامل امنیتی ارتباط با فضای واسط بین درون و بیرون خانه نقش مهمی در ایجاد امنیت داخلی دارد. با ایجاد دربند و کوچه باریک و همچنین ورودی خانه به صورت تورفته طراحی شده در جهت رفع این نیاز دانست (غفاری، ۱۳۷۵، ۲۸-۳۴). در میان آموزه‌های استاد پیرنیا درباره معماری سنتی ایران، آنگاه که سخن از معماری خانه به میان می‌آید، به «مستطیل طلایی ایرانی» و کاربرد گسترده آن توسط معماران سنتی اشارات صریحی می‌شود. ایشان مستطیل محاط در شش ضلعی منتظم را مستطیل طلایی ایرانی نامیده‌اند و اظهار داشته‌اند که معماران ایرانی در طرح حیاط مرکزی و اتاق‌های خانه‌ها از این مستطیل یا مستطیل نصف آن استفاده می‌نمودند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰). در خانه‌های سنتی همانا مفهوم ساکن شدن، مکث کردن انتظار کشیدن و سپس وارد شدن بیان می‌شود.

سازماندهی فضا در معماری ایرانی بر اساس عنصر حیاط شکل گرفته است، که در آن طبیعت جزلایفک این عنصر فضایی است (شیری‌آذر و همکاران، ۱۳۹۲). می‌توان به ویژگی‌های خانه همچون روشنی وضوح وحدت‌گرایی رعایت سلسله مراتب انسان مداری از طریق توجه به ساحت‌های وجودی انسان جامع نگری پرهیز از بیهودگی، نمادگرایی و کمال‌گرایی اشاره کرد (نقی‌زاده و درودیان، ۱۳۸۷، ۸۱-۸۷). فضایی که توانسته از طریق تعریف شدن قلمرو خصوصی را تامین کند دگر بار از طریق ترکیب شدن می‌تواند قلمرو گسترده‌تری را ایجاد کند. چگونگی تحقق این امکان برای سازمان فضایی خانه‌های تاریخی در گرو خلق فضای بینامتنی (حریم) است. حریم‌ها تمهیدات معمارانه که در حدفاصل فضاها بکار گرفته می‌شوند. دیوارها یکی از تجلیات این مفهوم در معماری خانه ایرانی است که جدایی یک فضا از فضای دیگر را تامین می‌کند. استقرار درها و پنجره‌ها در درون دیوارها به نحوی است که براساس جایگاه فضا در سازمان فضایی خانه امکان ترکیب یک فضا با فضای همجواری از یک یا تمام جبهه‌های فضا را فراهم می‌کند. علاوه بر عنصر معماری دیوار جلوه فضایی نیز یافته و دوگونه فضاهای ارتباطی راهروها و همچنین فضاهای پوشیده نقش فضاهای بینابینی را ایفا می‌کند. در مواقعی که شیوه زندگی ضرورت پیوستن این فضاها به یکدیگر را ایجاد می‌کند، این دوگونه فضا خود بعنوان فضایی قابل استفاده و به عنوان بسط فضایی در فضایی که در میان قرار دارد، ایفای نقش می‌کند و به توان فضاها می‌افزاید. که از سه بعد طول، عرض و ارتفاع قابل انجام است. بسط فضایی خود حاوی بسط چشم اندازی و بسط نوری نیز هست. نور و چشم‌انداز فضاها را منبسط می‌کند و چگونگی استفاده از منابع نوری و چشم‌اندازی کیفیت فضایی را دگرگون می‌کند. بسط فضایی و چشم انداز از توانایی این ترکیب فضایی است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸، ۱۰۳-۱۰۴).

به منظور غنا بخشیدن به مفهوم ورودی از عوامل متعددی باری گرفته می‌شود در معماری گذشته شاخصه‌هایی چون پیرنشین، فضای سرپوشیده، نوع تزیینات خاص نوع قوس ویژه، کفسازی متفاوت با گذر و اختلاف سطح و ... تفاوت را نمایان می‌کند (مرادی و امیرکبیریان، ۱۳۸۱، ۱۱۶). تداوم حرکت و شفافیت که مصادیق تداوم در بعد مادی را می‌توان با استفاده از کالبد و دید بصری نمایش داد، در خانه‌های ایرانی این نمایش با استفاده از ارسی، دالان، ایوان، راهروها امکان‌پذیر شده است. که گشایش فضایی، جهت یابی، یکپارچگی را به همراه دارد. سلسله مراتب فضایی در گذشته به صورت خرد تک بنا و در مقیاس کلان و مجموعه‌ای است در خانه‌ها که بطور خاص مورد اهمیت این پژوهش است، ورودی، هشتی، دالان حیاط، و بنا و اتاق‌ها است، برای نمایش سلسله مراتب از حرکت نور، کفسازها، کیفیت متفاوت مصالح، فضاهای باز و بسته استفاده می‌شود. این ارتباطات بین فضاهای پر خالی و نیمه بسته محور بخشی و انتظام بین فضاها را به همراه دارد (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸، ۱۱۶).

در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی شکل‌گیری هر جز از فضاهای این خانه‌ها به شیوه‌ای چند جانبه به شکل‌گیری اجزای دیگر از فضاها مرتبط است، همدیگر را تعریف و با هم ترکیب می‌شوند توان یکدیگر را بسط می‌دهند که امکان تجربه‌های گوناگون را فراهم می‌کند. همه فضاها امکان گسترش در یکدیگر را دارند.

۴- نتیجه گیری

پیچیدگی خانه‌های ایرانی و سازماندهی فضاها در این خانه‌ها نیازمند تحلیل چند جانبه است، که در این تحقیق جنبه‌های اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و روش‌های ایجاد آسایش انسان در ابعاد مختلف مورد پرسش قرار گرفته است. خانه به عنوان خصوصی‌ترین فضای زیست مطرح است خانه‌های گذشته دارای مفاهیم اساسی مادی و معنوی نظیر حس تعلق، آرامش ارتباط با معنویت و پیوند عمیق اجتماعی در جهت ارتقا فرهنگ بوده‌اند. بر اساس فرهنگ مذهب و سنت و

پاسخگویی به محیط زیست هر منطقه طراحی شده است. شکل‌گیری خانه‌های ایرانی در مسیرهای مختلفی رشد کرده است که می‌توان به مواردی چون عوامل اقلیمی که معماری درون‌گرا را برای ایجاد یک محیط کنترل شده، به منظور حفاظت از بادهای مزاحم و هدایت بادهای مطلوب با بادگیرها، حفظ خنکی هوا در داخل خانه و یا کوران برای آب و هوای مرطوب استفاده شده است. یکی از نکات دیگر حس تعلق به محیط است، قلمروهای مورد نیاز انسان است.

در خانه‌های قدیمی ایران با تعریف دقیق از فضاهای نیمه خصوصی، خصوصی، نیمه عمومی و عمومی برای اعضای هر خانه مسیر حرکت و زندگی تا حدود زیادی مشخص شده بود. سیرکلاسیون داخلی و خارجی خانه‌های ایرانی گذشته به علت روش زندگی و عوامل فرهنگی که همیشه ارتباط مستقیم با خانه‌سازی داشته است؛ قلمرو خانه‌ها از محدوده بیرونی آغاز می‌شود و مرز یک خط نیست و وجود جز فضاها طیف متنوع قلمرو فضای خصوصی را ایجاد کرده است. ورودی در خانه‌های قدیمی با دربند یا کوچه باریک بوده که بعد با پاخور و عقب‌نشینی حریم و فضای مکث برای این تغییر قلمرو تعریف شده بوده است. پیرنشین‌ها و یا پیش‌ورودی‌ها با احترام به عابر پیاده در خانه‌های سنتی و آپارتمان‌های امروزی علاوه بر آن باعث تشخیص خود ساکنین مجموعه شده است.

برای ورود به خانه دربند، خط آسمان و سردر همراه است دربندها و کوچه‌های باریک خانه‌های قدیمی، که به یک یا دو خانواده تعلق داشت، فضایی نیمه عمومی بود با گذر اصلی در ارتباط بود و ساکنین به دلیل تعریف درست فضایی حس تعلق و وظیفه‌ی کنترل فضایی که جزئی از فضای شهری بود؛ را داشتند. برای نمایش هر جز فضا تزیینات ارتفاع سقف و ... استفاده که خود باعث ارتقا و حفظ حس تعلق می‌شود. فضای نیمه عمومی و عمومی در خانه‌های قدیمی با ایجاد مفصل این فضاها به هم مرتبط می‌شدند فضاهای خصوصی در خانه‌های قدیمی اندرونی و فضای بیرونی ساختمان نیمه خصوصی بوده‌اند، با یک هشتی به عنوان مفصل به هم متصل می‌شوند. از بیرون دارای نمای ساده و از درون خانه دنیای متفاوت با بیرون و شامل تنوع و تزیینات ظریف است، به عنوان یک موجود زنده که با رشد و انطباق با شیوه زندگی در حال تغییر کاربران هماهنگ بوده است.

سازماندهی خانه‌های تاریخی مرکزی بر اساس دو محور تقارن عمود برهم شکل گرفته، حیاط‌های مرکز مستطیل و فضاهای اصلی در اطراف آن شکل گرفته است، محرمیت ورودی و فضاهای داخلی یکی از عناصر اصلی در طراحی معماری این بناها است. در بیشتر موارد فضاهای خدماتی در گوشه قرار دارد که با راهروها این فضاها به هم متصل می‌شود. نورگیری و منظر داخلی فضاها بیشتر از داخل حیاط است و دید و نورگیری به کوچه محدود است. با توجه به وسعت خانه‌ها فضاهای خصوصی از نیمه خصوصی و عمومی از نیمه عمومی در ورودی‌ها و حیاط‌ها تفکیک شده و از طرفی فضاها مطابق فصل‌های تابستان و زمستان بهره‌ور می‌شود. درخانه‌های بررسی شده نیز این تغییر سبک تا حدودی دیده می‌شود که با تزیینات ترکیبی اروپایی ایرانی، سقف‌های شیب‌دار و تزیینات زیاد و البته ایرانی شده بیشتر خودنمایی می‌کند.

بنابراین با توجه به اهمیت خانه و محیط زندگی سالم با تاثیرپذیری از طبیعت برای ایجاد شرایط مطلوب زیست محیطی به نظر می‌رسد که حیاط و عناصر تشکیل دهنده آن باعث ایجاد محیط پایدار و ایجاد محیط سبز و سالم و کنترل هوای داخل ساختمان نسبت به خارج و ... می‌شود، و هم از لحاظ فرهنگی به جهت وجود درونگرایی و محرمیت در معماری سنتی ایران به شمار می‌رود. حیاط خانه‌های سنتی عنصر اصلی مهم و تعریف کننده بسیاری از فضاها است و نور عامل اصلی و در فضای حضور انسان و ارتباط او با محیط خارجی با استفاده از روزن‌های مختلف است، با استفاده از پنجره‌ها و سبزی‌های داخل حیاط آب و هوا را برای پذیرش و آسایش انسان آماده می‌کنند.

در بیشتر خانه‌های مورد مطالعه عناصر هندسی ساختار بنا را تعریف کرده‌اند که علاوه بر حفظ موارد پیش عدم تقارن و فرم غیرهندسی زمین حفظ می‌کند و اصول اولیه رعایت می‌شود. در هر زمینی حفظ حیاط مستطیل شکل الزامی بود، این حیاط نقش ارتباط انسان با خطوط طبیعت را دانست و به قول هایدگر امر چهارگانه در خانه سنتی ایرانی حضور داشت. برای خلق فضاهای متنوع همانطور که در برش خانه‌ها مشاهده می‌شود از کدهای ارتفاعی متفاوت با حس حضور متفاوت فضاهای متنوع خلق کرده‌اند. از شیشه‌ها با رنگ‌های متفاوت و دالان‌ها و ایوان‌ها که دیدهای فضایی متفاوت را ایجاد می‌کنند. اگر به پلان‌ها دقت شود، فضای خصوصی خانه‌ها اتاق سه‌دري است و به گوشواره باز می‌شود که البته در عین حفظ محرمیت و تعریف فضای نیمه خصوصی و خصوصی خاصیت افزایش و انعطاف‌پذیر فضا را دارد.

تزیینات بکاررفته در این خانه‌ها عبارت از، آیین‌های قدیمی با گچ‌بری‌های پرکار و ظریف، ستون‌ها و سرستون‌های مرمرین به سبک اروپایی، نقاشی‌های دیواری با موضوعات مختلف از قبیل وقایع تاریخی مهم، چهره‌پردازی‌ها، نگارگری‌ها و مناظر، که تمام سطوح داخلی دیوارها را پوشانده است. زمستان نشین و تابستان نشین را نور و جهت و شدت تابش تعریف می‌کند. در ایران با توجه به زاویه تابش و میزان تابش نور خورشید، کنترل آن دارای اهمیت است. بام‌های قوسی شکل در انواع مختلف تاق، گنبد، تاق و تویزه در معماری گذشته ایران خود نمایی می‌کند.

تشکر و قدرانی

سپاس فراوان از آموزشکده‌ی فنی و حرفه‌ای سما واحد اسلامشهر که از طرح پژوهشی با عنوان "شناخت عوامل ارتقا حس تعلق به مسکن در طراحی آپارتمان‌های امروز با توجه به خانه‌های دیروز" حمایت کرده است.

منابع

- ۱- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران، تهران: انتشارات هنر معماری قرن، چاپ اول
- ۲- بمانیان محمدرضا؛ غلامی رستم نسیم، رحمت پناه جنت. (۱۳۸۹) عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی «نمونه موردی خانه رسولیان یزد». مطالعات هنر اسلامی، دوره ۷، صفحه ۵۵ تا ۶۸
- ۳- پیرنیا محمدکریم. (۱۳۹۲). سبک شناسی معماری ایرانی، تالیف و تدوین غلامحسین معماریان؛ تقریر محمد کریم پیرنیا. نشر سروش دانش
- ۴- پیرنیا محمدکریم. (۱۳۸۷). معماری ایرانی، تالیف و تدوین غلامحسین معماریان؛ تقریر محمد کریم پیرنیا. نشر سروش دانش
- ۵- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۷۸). گنجنامه (خانه‌های اصفهان)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۷۸). گنجنامه (خانه‌های تبریز)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۷۸). گنجنامه (خانه‌های یزد)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۸- حائری مازندرانی، محمدرضا، (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۹- داعی پور زینب. (۱۳۹۳). رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران، باغ نظر، دوره ۱۱، شماره ۳۰، صفحه ۴۹ تا ۵۸
- ۱۰- سلطانزاده حسین. (۱۳۹۶). خانه در فرهنگ ایرانی (مفاهیم و بعضی از کاربردها)، ویراستار پروین حیدری، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۱۱- سلطانزاده حسین. (۱۳۶۸). محله ها و واحدهای مسکونی در ایران، در شهرهای ایرانی، جلد سوم به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ۱۲- شیری آذر لایلا، سیدستاری رعنا، ستارزاده داریوش و بلیان اصل لیدا. (۱۳۹۲). معماری پایداروالگوهای توسعه آن در معماری خانه‌های تبریز دوره قاجار، همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج: مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری کرج.
- ۱۳- صباغپورآرانی طیبه. (۱۳۹۳) خانه ایرانی: نقش مایه‌های سنتی در خانه‌آرایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۱۴- ضیمران محمد. (۱۳۸۰). معماری امروز ایران بدون پشتوانه فلسفی است، همشهری،
- ۱۵- فلاح محمدصادق و نوحی سمیرا. (۱۳۹۱). ماهیت نشانه ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، دوره ۱۷، شماره ۱، از صفحه ۱۷ تا صفحه ۲۵
- ۱۶- قاسمی سیجانی مریم، معماریان غلامحسین. (۱۳۸۹) گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان، هویت شهر، دوره ۴، شماره ۷، صفحه ۸۷ تا ۹۴
- ۱۷- قبادیان وحید. (۱۳۸۵). معماری در دارالخلافة ناصری، نشر پشتون.
- ۱۸- کاتب فاطمه. (۱۳۸۴). معماری خانه‌های ایرانی = The architecture of persian houses، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۱۹- ملازاده کاظم و محمدی مریم. (۱۳۸۶). خانه‌های تاریخی (از مجموع دایره المعارف بناهای تاریخ)، انتشارات سوره مهر.
- ۲۰- محمد مرادی اصغر و امیرکبیریان آتش سا. (۱۳۸۱) معرفی تعدادی از ابنیه سنتی معماری ایران و تحلیلی بر ویژگیهای فضایی آن‌ها. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران؛ سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، موسسه انتشارات تعاون.
- ۲۱- مهدوی پور حسین، جعفری رشید و سعادت پوراندخت. (۱۳۹۲). جایگاه جلوخان در معماری مسکن بومی ایران، مسکن و محیط روستا، صفحه ۳-۲۱
- ۲۲- نقی زاده محمد و درودیان مریم. (۱۳۸۷). تبیین مفهوم گذار در مبانی هویت تمدن ایرانی، هویت شهر، دوره ۲، شماره ۳.
- ۲۳- نیک فطرت مرتضی و موسی پور الهام. (۱۳۹۴). بررسی آثار منتخب پیترو زومتور با رویکرد پدیدارشناسی، سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری.
- ۲۴- نیک فطرت مرتضی. (۱۳۹۳). جستاری بر نقد آثار منتخب ساختمان‌های مسکونی ایران در سال های ۱۳۸۷-۱۳۹۲ بررسی شاخصه ها و رویکردها و مولفه‌های تاثیرگذار، دومین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری.